



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه (۱۷) اسفند ماه ۱۳۴۶

۲ - ادامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه

فیرست مطالب:

راجع به بودجه ۱۳۴۷ کل کشور .

۳ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه .

۱ - قرائت صورت اسامی غائبین جلسه قبل .

مجلس ساعت سه و بیست دقیقه بعد از ظهر برپا شد دکتر حسین خطیمی (نایب رئیس) تشکیل گردید

غائبین مریض - آقایان :

۱ - قرائت صورت اسامی غائبین جلسه قبل

اهری - بختیار بختیار بهاد - دکتر بقائی - یزدی - دبیرم -

نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

فولادوند - قاضی زاده - مهندس معینی زند - دکتر وحیدنیا

(بشرح زیر قرائت شد)

۲ - ادامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه

غائبین با اجازه - آقایان :

راجع به بودجه ۱۳۴۷ کل کشور

دکتر رضوانی - محمبولی قراچولوی - رضازاده -

نایب رئیس - بقیه مذاکره در کلیات بودجه را ادامه

غفاری - هی - تهرانی - دکتر متین - دکتر سعید - کاسمی -

میدهم - آقای پزشکپور بفرمائید .

نیمبر حکیمیان - مهندس سهرالدینی - پوربائنی - دکتر

پزشکپور - بنا بر این بحث و سخن پیرامون موضوع

نجفی - پابنده - مهرزاد - مافی - شیخ بهائی - دکتر وفا -

آموزشگاهها بطور کلی بود و اینکه مواردی که در این

دکتر قربان - دکتر ستوده - سلیمانی کاشانی - فیاض - دکتر

بودجه ذکر شده است بعنوان درآمدهای اختصاصی این

هو اکیمان .

آموزشگاهها یک مورد منطقی برای بولی کردن و غیر ملی

غائبین بی اجازه - آقای :

کردن سیستم آموزشی بنظر من بسیار عقیده ما همین است که بهر اندازه

مهندس اربابی -

که دولت متحمل هزینه‌ها می‌شود از آنجا که این یک وظیفه ملی است با آن توجیبی که عرض کردم در یک سطح وسیع‌تر باید این وظیفه را تقبل بکند ولی حداقل از نظر طرفداران این منطق اگر این بود جای که ابراز شده است نشان میداد که توانسته‌اند ۶۰٪ از بودجه خودشان را، هزینه خودشان را از طریق وجوه این شهر بدها تأمین بکنند ممکن بود قائل به این بشویم که حداقل یک منطق درستی بوده است اما سالیانست بر اساس این منطق کار میکنند، اقداماتی میکنند و حتی بر اساس این منطق سبب شده اند که بعضی ناراحتی‌ها و تشنجاتی را ما متحمل شویم ولی در پایان این برنامه‌ها و این تجارب و این دورانی‌های مختلف تازه بودجه‌ای که در برابر مجلس شورای ملی ابراز می‌شود می‌بینیم نسبت به اساسی‌ترین و مهمترین موارد همان مبالغی وصول می‌شود که عرض کردم، خاصه اینکه یکی از آقایان، گویا آقای دکتر پروا عظم بودند این تذکر را در خارج بعد از جلسه بمن دادند که آن ستمیلیون و سیصد هزار تومان که بعنوان درآمد اختصاصی دانشگاه پزشکی ذکر شده است تازه تمامی آن از بابت شهریه‌های وصول شده نیست بلکه مقداری از آن از بابت بولی است که برای تخت بیمارستان و عکس برداری و وسائل دیگری از این قبیل می‌گیرند من نمی‌دانم که اگر این مبلغ را هم از آن حذف کنیم دیگر چه چیزی باقی میماند بدین کیفیت خیال می‌کنم همکاران گرامی با این توضیحات متوسطی که داده شد و کم و بیش هر یک از همکاران عزیز چه همکارانی که در زمره‌های پارلمانی اقلیت تشریف دارند ضمن مذاکراتی که با هم می‌گویم می‌دیدم که به این مسائل توجه و عنایت دارند و وقتی یک چنین توجیبی هست و بلاسبب و بلاجهت اینها مسبب ایجاد یک مشکلات وسیع‌تر و شدید تر بعدی از جهت آن سیستمی که عرض کردم، از جهت یک نظم خاص جدید طبقاتی که بوجود خواهد آورد می‌گردد، پس بهتر است بپهوده یک لجاج و عناد روی یک منطقی که هیچ نوع موفقیتی از خود نشان نداده است صورت بگیرد. باز هم یکی دیگر از همکاران آن نکتته‌ای را فرمودند و آن اینست که بدلا از لایحه‌ای که دولت تقدیم مجلس کرده یک رقم بسیار هنگفت و بزرگی را بعنوان صرفه جوئی پیش بینی کرده و بدلا از گزارش کمیسیون ولایحه متمم بودجه

رقمی که بود بیش از ۵ میلیارد ریال بود همینطور است آقای دکتر کاظم زاده؟ ۵ میلیارد ریال صرفه جوئی سال قبل بوده است بنا بر این وقتی به این کیفیت هست میشود این قبیل اقلام و رقمهای کوچک را از این طرق تأمین کرد و بسیار صحیح است که با توجه به مشکلات و گرفتاریهای که داریم از این اقلام چشم‌پوشیم و خدماتی را که وظیفه دولت و سازمانها هست که انجام بدهند اینها را ما از مردم به‌آزادای نخواهیم. باز هم استدلالهایی شنیدم چون ممکن است یک چنین استدلالهایی بشود در عین حال یکی از مهمترین مسائلی است که واقعاً ما باید بررسی کنیم و مشخص کنیم و باید یک تصمیم قاطعی یک روز نسبت به این موضوع اتخاذ بشود یکی از همکاران میفرمودند که من در دانشگاه مینیم که عدای با انومیل می‌آیند چرا پول نیردازند من این منطق را هم منطق درستی نمی‌بینم سخن ما اولاً این هست که این مالیات نباید از دانشگاه گرفته شود، این مالیات نباید از دانش آموز گرفته شود و من همانطور که قبلاً عرض کردم میشود یک روشهایی دیگر در نظر گرفت. اگر قرار است حمایتی خاص مردم بردارد، مردمیکه درآمد و تمکن بیشتری دارند نسبت به سازمانهای فرهنگی خودشان، امور آموزشی خودشان بکنند این درست نیست که ما قوانین و مقررات را بکفین وضع کنیم که در واقع این مالیات را بخواهیم از شخص دانش آموز و دانشجوی بگیریم، گذشته از اینکه این یک مالیات چشم‌گیر و مؤثری نیست بفرض اینکه زیاد هم باشد درست نیست که این مالیات از دانشجو یا دانش آموز گرفته شود، این مالیات باید از طرق دیگری البته از کسانی که تمکن بیشتر دارند و آنها نه تنها بخاطر فرزندان خودشان بلکه باید بخاطر تمام فرزندان ملت بخزان دولت کمک بیشتری بکنند، یکی از معایب این روش این هست که بفرض اینکه این یک کمک از ناحیه گروهی که تمکن بیشتری دارند بشناسیم در واقع این روش را تأیید کردیم که آنها این کمک را فقط فرزند خودشان میکنند و این درست نیست، بفرض اینکه کمکی باید گرفته شود، یعنی مالیات بیشتری باید گرفته شود آن مالیات باید بصورتی گرفته شود که کمکی به هم‌فرزندان ملت باشد در راه آموزش عمومی و همگانی وجه با این مالیات را باید کسی بپردازد که فرزندی ندارد و این مالیات

را باید کسی بپردازد که یک فرزند دارد (صحیح است) یعنی شأن تولد این مالیات میشود خدمتی که کسی باید در برابر ملت بکند، خدمتی که کسی باید در برابر نسل و نژادش انجام بدهد ولی باین کیفیت صرفاً میشود حمایتی که کسی نگاه سرمایه‌اش از فرزندش میکند، آنوقت است که فرزند او تمام روحیه طبقاتی را بناچار با خودش خواهد داشت آنوقت است که این روش بناچار یک نظم طبقاتی بوجود خواهد آورد نظم منسوخی که دیگر آن نظم منسوخ مورد قبول ملت ما نمی‌تواند باشد و نمی‌تواند مؤثر از لحاظ پیروزی انقلاب اجتماعی ما باشد بنابراین این موضوع بسیار حائز اهمیت و توجه هست که ما در واقع در مرحله سازندگی نظم انقلابی هستیم تنها این سازندگی نظم انقلابی عبارت از این نیست که ما بروم در روستاها اقدام کنیم این سازندگی انقلابی عبارت از این نیست که تنها شرکت‌های سهامی زراعی تشکیل شود این سازندگی نظم انقلابی تنها در این نیست که باصطلاح در روابط اقتصادی مردم تغییراتی متناسب با انقلاب بدهیم این سازندگی نظم انقلابی بیش از هر چیز مرتبط با این است که ما واقعاً نسل انقلابی را تربیت کنیم نسل انقلابی را بوجود بیاوریم تا نسل انقلابی نظم انقلابی را روی شانه‌های خود نگهدارد. وظیفه بزرگ آموزش و پرورش این است که آن نسل انقلابی را تربیت بکند، آن نسل انقلابی را در دامان خود بپرورد یعنی این وظیفه آموزش و پرورش در نظم اجتماعی ما تنها نیست اصولاً در هر نظم اجتماعی وظیفه‌ای که بعهده آموزش و پرورش هست این است که فرزندان ملت را برای آینده‌ای تربیت کند که عمل به سمت آن حرکت میکنند ما می‌خواهیم امروز یک نظم انقلابی بوجود بیاوریم بر اساس نظم و اصول انقلاب اجتماعی ایران، بنا بر این باید انسانهای انقلابی هم تربیت شوند، انسانهای انقلابی هم باید پرورش پیدا کنند ما گاهی که سخن از این نکته می‌گوئیم که باید انسانهای ایرانی را پرورش داد بعضی می‌گویند خوب مگر نیستند، مگر ایرانی نیست؟ چرا هست ولی باید در اندیشه‌اش، در فکرش، در احساسش، در اعماق وجودش آنطور که باید و شاید اندیشه بکند. برای انقلاب هم ما باید انسانهای انقلابی تربیت کنیم این انسانهای انقلابی در روش و در طرز کاری پرورش پیدا خواهند کرد که چهره هولناک تبعیض را

از ابتدا و از مراحل ابتدائی زندگی احساس بکنند، این ممکن نیست، این چنین انسانهای انقلابی کسانی نخواهند بود که بفرض اینکه اگر کارگر نبود و تازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران هم نبود که کمک بکند با سازمانهای دیگر نبودند اگر او نخواست که از آنطرقی برود که شایسته یک نسل ایرانی نیست بتواند به دانشگاه برود. حالا باز یکی از دوستان و همکاران را دیدیم که میگفت یک دانشجویی اقداماتی میکرد که دلایل عدم تمکنش را تهیه کند، این باید تمام غرورش را، تمام احساس‌های انسانی و ایرانی خودش را مخدوش شده ببیند تا اینکه اینکار را بکند، یک چنین دانشجویی دیگر آن احساس انقلابی را که باید از نظم انقلابی داشته باشد نخواهد داشت. بنا بر این چون موضوع پرورش انسانها و موضوع ساختن آدم‌ها از مهمترین امور است این بطور قطع اهمیتش از ساختن سدها کمتر نیست این بطور قطع اهمیتش از ایجاد کارخانه‌ها کمتر نیست بنا بر این ما باید به انسانهایمان، به عواملی که آن نظم آینده را اداره خواهند کرد توجه کنیم و به این مناسبت هست که شاهنشاه در فرمانی که صادر فرمودند انقلاب اداری و آموزشی را بعنوان اصل دوازدهم بیان فرمودند ولی من از توجه به انقلاب آموزشی هیچ خبر و اثر و نشانی نمی‌بینم مثلاً اینکه فراموش شده، حداقل برای انقلاب اداری کنگره‌ای تشکیل شد ولی برای انقلاب آموزشی هیچ نوع کوشش و هیچ نوع توجیبی در سطح فرمان انقلابی دیده نمیشود. بطور قطع اینکه توجه به این نکته شده و عنایت فرموده‌اند که ضرورت دارد انقلاب آموزشی انجام شود جز این نبود که باید در امر آموزش و پرورش ما تحولات لازم متناسب با اصول انقلاب اجتماعی ایران و روح انقلاب اجتماعی ایران در محیط‌های آموزشی و برنامه‌های آموزشی ما منعکس بشود و اینها مسائل و تذکراتی بود پیرامون این امر و با توجه باین مسائل چنین نتیجه‌گیری میشود که اولاً سیاست در آمد عمومی نمی‌بایست با خود نکاتی را داشته باشد که در واقع حاکی از اصل تبعیض باشد و ما باید بطور کلی در همه سازمانها روش‌ها و شیوه‌هایی را که آثار و نشانه‌های از دوران فئودالیسم در آنها باقی مانده است بطور کلی ترک کنیم، این بحث و بررسی بود نسبت به روش‌های گرد آوری درآمد در بودجه و در نتیجه

نکاتی که مرتبط با این امر میشد و توضیحاتی که بنظر رسید بود و همانطور که عرض کردم موارد اختلاف نظری که بالا بجهت هیئت و احیاناً اگر این موارد باین کیفیت مورد نظر و تأیید حزب اکثریت باشد در واقع موارد اختلافی است که ما با حزب اکثریت یا بادیگر کسانی که این نظریات را دارند داریم صحبت بعد مربوط است به هزینهها، همانطور که روشهای اخذ درآمد، روشهای پیشبینی شده برای تأمین درآمد مبین یک سلسله نظریات اجتماعی هست، مبین یک سلسله راه حلهایی برای مسائل اجتماعی هست که این راه حلها یا درست است یا نیست مفید است یا آنطور که باید و شاید مفید نیست در هنگامیکه این درآمدها طرح میشود در مواردی که این وجوه جمع آوری شده مصرف میشود موارد مصرف نوع خرج این درآمدها هم با خود یک سلسله مسائل اجتماعی دارد با خود یک سلسله نظریات اجتماعی را دارد یا حاکی از این هست که از نظر بودجه نسبت به مواردی باید توجه کمتر یا توجه بیشتر بشود نسبت به مواردی باید اعتبارات بیشتری مصرف بشود در نتیجه این کم و بیش بودن مصارف و اعتبارات هست که مسائل مختلف اجتماعی را از نظر بودجه و تنظیم کنندگان بودجه در یک مالاکها و مدارج و سنجشهای خاص خودش قرار میدهد که بررسی نسبت به این موضوع هست که سبب میشود ما بگوئیم آیا فلان امر اجتماعی که در آنجا از اهمیت یوده نسبت به دیگر مسائل در آنجا از اهمیت باید باشد یا خیر یا نکته اساسی تر؟ آیا برای یک چنین امر مهم اجتماعی این میزان و مبلغ اعتبار که در نظر گرفته شده است کافی هست یا کافی نخواهد بود، آیا این واحد اعتباری که برای واحد فعالیت هائی در نظر گرفته شده متناسب با مجموع آن واحدها هست یا خیر، و آیا بهر حال خرج این مبلغ ها و این رقمها حاکی از توجه سازمانهای رهبری، سازمانهای اداری، سازمانهای اجتماعی، و آنچه که در اختیار دولت و مقامات اجتماعی ما هست سبب خواهد شد که دقیقاً ما را به هدف هائی که باید برسیم برساند یا بموجب تسریع حرکت ما خواهد شد یا خیر، بنابراین بحث و بررسی در این خصوص هم تابع این اصل است یعنی بحث و بررسی تابع این کیفیت نیست که ما اقلامی را در نظر بگیریم و به بینیم جمع و تفریق این اقلام چه جور است؟ باید بینیم برای هر سازمانی، هر امری، هر کاری، چه

هدف هائی در نظر گرفته شده است آنوقت آن اعتباری که برای آن سازمان در نظر گرفته شده است آیا کافی برای رسیدن به آن هدف خواهد بود یا نخواهد بود؟ همانطور که عرض کردم در متن لایحه بودجه و چهار جلد کتاب منضم بودجه یک چنین کوشش و تلاشی را برای یک چنین بررسی دقیق و عمیق احساس کردم و با آن تذکراتی که قبلاً در آغاز سخن عرض کردم چنان داریم که برای بودجههای بعدی بتوانیم در یک فرصت بسیار مناسب و وسیع تر بررسیهای دقیقی بکنیم یعنی ما فصول بودجه را با برنامههای مربوطه مورد بررسی قرار بدهیم اقلام بودجه را با موردی که مربوط به اقلام میشود مورد بررسی قرار بدهیم و در کمیسیون مربوط مجلس هم واقعاً بهمین کیفیت از این مدار بررسیهای دقیق صورت بگیرد در نتیجه ما در برابر یک اظهار نظرها و داورها و بررسیهایی قرار بگیریم که آیا به این کیفیت آنچه را که پیشبینی شده است که انجام بدهند این میزان از قدرت بودجه این میزان از اعتبار بودجه کفایت لازم خواهد داشت یا نخواهد داشت و اما با توجه به هدفهای کلی لازم نیست که ما به یک قسمت بودجه کفایت بیشتری بدهیم و در یک قسمت اگر لازم باشد آن قدرت زیادتری را که مواجه شده از او بگیریم البته این مسألهای است که دولت و تنظیم کنندگان بودجه، بطور طبیعی بیشتر مورد توجه قرار میدهند اما سخن این هست که واقعاً در یک کار دقیق و علمی و بررسی شده باید همگان از جمله قوه مقننه هم بهمین کیفیت بیشتر از این جهت بررسی بکنند، بنابراین همکاران گرامی انتظاری جز این نداشته باشند که در این قسمت توضیحاتی را که عرض میرسانم با توجه بهمین اصل باشد، یعنی اینکه از نظر این اصول و هدفها از نظر وظایفی که برای هر قسمت بودجه در نظر گرفته شده و یک اصطلاح بسیار خوبی وضع شده است برای این موضوع و این بودجه برنامههای، اصطلاح بودجه برنامههای با خودش این مفهوم را دارد بودجه برنامههای یعنی اینکه در واقع هر قسمت از بودجه با خودش یک هدف و برنامههایی دارد، فصولی از کارهای اجتماعی را دارد، بهمین ترتیب که یک وظایفی به عهده سازمانها گذاشته میشود هر رقم بودجه که در اینجا نوشته شده نیز وظایفی به عهده است و باید باشد و بررسیها درباره این وظایف هست تا آنوقت

نباشد یا آن فضا بد کیفیتی دیگر سوای آنچه متناسب با اصول و مقتضیات زندگی آن ملت هست نباشد، آن ملت نخواهد توانست نفس بکشد، نخواهد توانست اصول زندگی ملی خودش را اعمال بکند در نتیجه زندگی یک ملت سوای آنچه که در داخل خودش هست به بسیاری از مسائل مربوط است که در خارج از مرزهای او هست. یک ملت باید اصول زندگی خودش را برای تمام اطرافیان خود تفهیم بکند، بیان بکند، یعنی آنها باید بدانند که اصول زندگی ملی ما چیست؟ باید حقوق خود را برای آنها تفهیم کند، باید روابط و همگامیهای هر چه نزدیکتر، هر چه روشنتر بر اساس اصول زندگی ملی خود را بر اساس اصول حقوق تاریخی با ملتهایکه در اطرافش هستند پیدا بکند، باید آن نقاط مشترک را دریابد، رشتههایی را که از وجود او ناشی شده و این رشتهها پیوندهایی در طی تاریخ با ملتهای اطراف او بوجود آورده پیدا بکند و آنها را حفظ کند و در موارد لازم رشتههای جدیدی بوجود بیاورد. این مسائلی است که بطور کلی با به اصطلاحی دیگر سیاست بیرون مرزی یک ملت را میسازد (اخلاقی چه فرمودید؟) اصطلاح مشکلی بود؟ (اخلاقی - خیر از اهلت باید پرسید) فکر کردم جنابعالی اهل این اصطلاحات هستید نمیدانستم که اهل این اصطلاحات نیستید (اخلاقی - لغت سازی اهلیت لازم دارد).

نایب رئیس - اجازه فرمائید صحبتشانرا بکنند.
پزشکپور - علی ایحال سیاست بیرون مرزی، خیلی متشکر کاملاً میبینم جنابعالی از یک دیدگاه بسیار درستی دارید مسأله بودجه را توجه میکنید! من مطمئناً اگر مسئول حزبی جنابعالی بودم بشیوا تو بیخ می کردم.
نایب رئیس - آقای پزشکپور بصحبتهای خودتان ادامه بدهید.

اخلاقی - اصطلاحات نامأنوس است میبرسم.
نایب رئیس - آقای اخلاقی مطلب را تمام کنید.
اخلاقی - به ایشان اخطار فرمائید حق ندارد توهین بکنند.
نایب رئیس - بفرمائید آقای پزشکپور صحبتهای خودتانرا ادامه بدهید.

پزشکپور - مثل اینکه مجلس باید مستمع باشد که من ادامه بدهم.

نایب رئیس - مجلس مستمع است.

پزشکپور - علی ایحال مسأله بسیار اساسی و مهم و حیاتی سیاست برون از مرز است که بطور کلی سیاست برون مرزی کلیه اقدامات و کوشش های يك ملت را يك جا جمع میکند، يك جا گرد می آورد برای اینکه آن ملت بتواند اصول زندگی خود را، آرمان و حقوق ملی خود را، فرهنگ و فلسفه خود را در بیرون از مرزها توجیه کند. عرض من این است در دهدهای گذشته ما این سیاست برون از مرز را ندانستیم ما شاخه های مربوط ب موجودیت ملی و فرهنگ ملی را در بیرون از مرز فراموش کرده بودیم دستگامها و سازمانهای مسئول. باین نکته توجه نداشتند که ملت ایران موجودیت نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران تنها آن مردمی نیست که در داخل این مرزها هستند، این موجودیت، يك موجودیت وسیع تری است، این موجودیت همان موجودیتی است که ما وقتی میرویم در اطراف جهان می بینیم کیندی با خط زیبا شعر فارسی نوشته شده است. این موجودیت، موجودیتی است که ما می بینیم. وقتی میرویم به قاره آفریقا در این منطقه گروه بسیاری ایرانی نژاد هستند، ایرانیانی هستند که با مارشها و پیوندها و ارتباطاتی دارند. مسائل برون از مرز ما مسائلی است که ما اگر بخواهیم زندگی مان را ادامه بدهیم و اگر بخواهیم در این دنیا باقی بمانیم و البته چنین نیز میخواهیم باید باین مسائل توجه کافی داشته باشیم. موارد متعددی را عرض خواهم کرد، امروز صحبت در این هست، یکی از نکاتی که درخور ستایش کامل هست این کوشش بسیار مهم و مقدمه کوشش بسیار بزرگی است که صورت گرفت از برای اینکه فعلی صورت بگیرد ما بامر بازار با بی در قاره آفریقا بپردازیم، این نشانه ای از يك بیداری بزرگ است، یعنی توجه به آن سیاست برون از مرز، یعنی توجه به موجودیت برون از مرز، مهمتر اینکه اگر از حال بدنبال پیدا کردن امکاناتی نباشیم نخواهیم توانست موجودیت متحرک خودمان را، موجودیت توسعه یافته خودمان را در دو دهه های آینده حفظ کنیم، این يك نمونه ایست از آن اقداماتی که در يك چنین مسیری قرار دارد و آنچه مسلم است چنین دیدی را شما در سالهای گذشته نمیدیدید، يك

چنین بررسی نبود، يك چنین بررسی مربوط به این مسأله مطلقاً نبود که آنچه را بنام فرهنگ باری در آسیای میانه هست این روح ملت ایران است این روح نژاد ایرانی است. روان شاهنشاهی ایران است (صحیح است) و چون این توجه نبود در بسیاری از موارد ما این میراث گرانبهار از دست دادیم، در موارد بسیار مهم و اساسی لطافت بزرگ بر این میراث گرانبهای تاریخ و فرهنگ و ملت وارد آمد. عرض ما این است که باید ب موجودیت برون مرزی هم توجه و دقت بسیار بشود، باید ب موجودیت برون مرزی در آن مدار وسطی توجه بشود، که واقعاً آن ارتباط و پیوند را با موجودیت ایران ندارد. خاصه اینکه خانها و آقایان: وضع ملت ما با ملت های دیگر فرق دارد يك فرق عمده. در این هست که ما همواره در گذرگاه تاریخ قرار داشته بودیم و این قرار داشتن در گذرگاه تاریخ رسالت خاصی را برای ما ایجاد کرده و بهمین کیفیت مخاطرات خاصی هم متوجه ما بوده است يك فرق عمده ما با ملت های دیگر در این بوده است که ما این گذرگاهها را دیده ایم و مخاطرات را دیده ایم ولی مقاومت کردیم و ایستادگی کردیم و از بین رفتیم (صحیح است) این خصوصیت ملت ایران است، گذرگاههای متعدد را در نظر بگیرد حملات متعددی را در نظر بگیرد، شما امروز ملت های بسیاری را می بینید که بنام ملت های عرب معرفی شده اند ولی میدانید که اینها غالباً اصولاً از نژاد عرب نبوده اند ولی آنچنان در برابر حملات اعراب از پا افتادند که فرهنگ و آئین و فلسفه و اندیشه خودشان را بکلی از دست دادند ملت ایران دین مبین اسلام را پذیرفت، فرهنگ اسلامی را باز کرد، به جهان بشری و دین بزرگتری داد ولی ملت ایران ایرانی ماند و ملت عربی نشد (خواججه نوری - ملت ایران در حکومت اسلامی حکومت کرد) و حکومت کرد، این بران چه بود؟ گمان میکنم بران يك تضاد بود؟ این بران به اتفاق زمانی و مکانی نبود، این ناشی از این بود که منی خودش را با تمام موجودیت خودش میشناخت، يك ملتی خودش را با گذشته اش میشناخت، يك ملتی خودش را با مرآت فرهنگیش میشناخت، يك ملتی خودش را با فلسفه ملی میشناخت، اسلام را هم پذیرفت ولی بعد از اسلام فرهنگ

بر این را در لباس شامخ تصوف و اندیشه های فیلسوفان آروز با پیش کش کرد، این ناشی از آن توجه، ناشی از آن بیداری بود. ناشی از آن بود که فقط در آن زمان زندگی نمیکرد، بدعای خطیر آینده را در نظر میگرفت و چون دهدهای خطیر آینده را در نظر گرفت توانست از گذرگاه خطیر تاریخ بگذرد و در گذرگاه خطیر تاریخ هستیم، این يك حقیقت است، به بار دیگر در گذرگاه خطیر تاریخ قرار داریم، تحولات ضعیفی که دنیا را در بر گرفته، در گرونیهای بزرگی که دنیا را در بر گرفته، تحولات و رستاخیزهای بزرگی که در زمینه تکنیک و صنعت در دنیا پیش آمده، چه تحولی بالاتر از این، بلی باز عرض میکنم بشر بقضا پرواز کرده و قلب انبساط یافته، چه تحول از این بالاتر اگر این تحول بکنیم با تحول صنعتی بخار، قبل از بخار با مراحل مختلف تحول صنعتی این کمتر نیست این تحولات اخیر اندک تر است و بسیاری مسائل دیگر، این مسائل نشان میدهد که ما در گذرگاه تاریخ قرار داریم نه حالا قرار داریم ۱۵۰ سال است که قرار داریم بیش از ۱۵۰ سال است قرار داریم، خیلی ها بگذرگاه را ندیدند، این مخاطرات را تشخیص ندادند، ب وجودیت ملی را با تمام میراث های فرهنگی و اجتماعی و تاریخی که وابسته به آن هست نشناختند و چون این بیداری را نداشتند برآستی که ماحقوق بسیار را از دست دادیم، برآستی که موجودیت ملت ما به آن مفهوم بود به آن معنای وسیع کلمه لطماتی جنگبار و از آمدن عرض من این است که باید این بیداری و گمی باشد باید این شناسائی باشد و ما برنامه هایمان را، نقش هایمان را، برنامه ریزی ها و برنامه گذاری هایمان بستی بکنیم بر این امور، حالا چنین کوشش هایی من حیث مجموع میشود، آن سیاست خارجی بمفهوم اجرای سیاست مستقل ملی آن چیزی است که ما امروز پیدا کردیم، چرا، بچه دست شاهنشاه فرمودند که سیاست ملت ایران عبارتست از سیاست مستقل ملی؟ برای اینکه قبلاً سایرین نداشتند و این سیاست مستقل ملی؟ در ادبیش نگرفته بودند. بهمین مناسبت بطورهای این سیاست مستقل ملی را ما می بینیم موردش را برسیب عرض کردم که امروز ما بازارهای فروش نفت رفتیم نشان را به بازارهای فروش عرضه میکنیم انحصارهای نفتی را در هم شکستیم به آفریقا حرکت میکنیم برای اینکه به مردم استعما

زده آن قاره ما میتوانیم صمیمانه تر کمک کنیم، میتوانیم صمیمانه تر دست در دست آنها بگذاریم و مسئله این است آن همکاری آسیائی و آفریقائی تنها به نگاه محصور ارشاد شاهنشاهی ایران میتواند بوجود بیاید (آفرین) و این آن سمتی است که باید در راه آن حرکت کنیم. صحبت از همگامی و همکاری ملت های آفریقائی و آسیائی بسیار شده و کنفرانس هایی تشکیل شده است ولی در بسیاری از آنها نماند رگه ها و خوبی تجاوز طلبی دیده میشود اما بحکم ۲۵۰۰ سال تاریخ مسلم شاهنشاهی و بحکم تاریخ طولانی تر پادشاهی تا زمان شاهنشاهی هیچگاه شاهنشاهی ایران يك قدرت متجاوز در این منطقه نبوده است. شاهنشاهی ایران يك آئین انسانی، قدرت ارشاد کننده انسانی بوده است و آن نقش و رسالت بزرگ در مشرق برای ایجاد يك همگامی ضد استعمار و آزادی طلبی میان ملت های آسیا و آفریقا رسالت بزرگی است که شاهنشاهی ایران به عهده دارد (صحیح است) به سمت این هدف باید حرکت کرد و به سمت این آرمان باید طی طریق کرد و مسائل مربوط به سیاست خارجی، کوشش هایی که برای اعلام موجودیت فرهنگی و فکری و فلسفی ملت ایران میشود باید در این مسیر باشد، باید يك تبلیغات متحرک، کوشش متحرک و سیاست متحرک داشته باشیم برای اینکه ملت های آسیا و ملت های آفریقا بدانند آن ملتی که در رزم ضد استعمار آنها را یاری خواهد کرد در این منطقه فقط ملت ایران است (صحیح است). این تفهیم باید بشود، ما نباید اجازه بدهیم در این منطقه، در اطراف ما، در آسیا و در آفریقا قدرت های متجاوز و اخلا لگر، عناصری که جنگ بروی ملت های این منطقه می کشند تبلیغات وسیع بکنند این تبلیغات را، باید ما بکنیم، این ارشاد را باید ما بکنیم، ما که دست تجاوز به سمت کسی نمیریم، ما که در طی تاریخ با هر متجاوزی جنگیدیم، ما که در طی تاریخ از حقوق هر ملتی دفاع کردیم ولی این مسائل آنطور که باید و شاید تفهیم نشده این مسائل باید بیرون از مرزها با قدرت زیاد در سطح وسیع و با کوشش بسیار تفهیم بشود تا ما گذشته از آنکه فضای مناسب را برای زندگی سالم خود پیدا بکنیم واقعاً بتوانیم همگامی و همکاری لازم را میان ملت های مشرق زمین که بلا سبب مالیات بسیار هست شلاق استعمار بگردد آنها کوبیده میشود انتخاب میکنیم مراد من از لزوم هماهنگ ساختن همه عوامل و

بررسی درباره مسائل مختلفی که مآلا هریک به نحوی در امر سیاست خارجی ملت ایران در این مفهوم وسیع قرار دارد این بود که عرض کردم، در این قسمت مسئله سیاست نهادهای دفاع قرارداد، درباره این سیاست نهادهای دفاع خیلی گشتم که شاید بشود اصطلاح دیگری بجای آن گذاشت ولی دیدم که منظور به آن معنای اخص اموردفاعی نیست وقتی عرایض را توضیح بدهم همکاران گرامی عنایت خواهند فرمود که شاید تنها یک چنین اصطلاحی آن مفهوم را بتواند با خودش حمل کند و بیان کند. سیاست نهادهای دفاع با دفاع بعنوان تمامی موجودیت ملت ایران، ایراد ندارد مثالی میزنم، در مورد همه موجودات همینطور است شما گاهی دیده اید دو خروس بجبهتی با هم کشمکش پیدا میکنند نمیتوانیم بگوئیم فقط پای این دو خروس با هم مبارزه میکند اگر خوب دقت کنید میبینید تمامی موجودیت این دو خروس در یک مبارزه و معارضه ای با هم هست، کاملاً برای ملت ما هم همینطور است، منظور عرضم این بود که ما نمیتوانیم وقتی صحبت از سیاست دفاعی میکنیم فکر کنیم فقط نیروهای مسلحمان را تقویت بکنیم، این کافی نیست سیاست دفاعی یعنی اینکه یک ملتی برای دفاع از خودش با تمام موجودیتش، با تمام احساسهای درونیش، با تمام فرهنگ با فلسفه اش، با تمام آنچه را که او ساخته و پدید آورده برای دفاع بشود. این دفاع با همه وجود سیاست دفاعی است بطور کلی ما باید برای یک چنین دفاع بزرگی آماده بشویم زیرا ماهدهای بزرگ داریم زیرا حقوق بزرگی داریم که بسمت آنها میرویم، زیرا نقش بزرگی میخواهیم در این جهان ایفاء کنیم، نقشی که حق ما است، نقشی که در راه حق است، ولی میدانیم که خیلی ما میخواهند، همانها که کوشش میکردند ما چنین وضعی نداشته باشیم همانها که کوشش میکردند ما چنین جقی نداشته باشیم و ما چنین نقشی را ایفاء نکنیم پس ما در راه رسیدن به این هدفهای بزرگ باید برای مدافعت بزرگی نیز آماده بشویم و این سیاست را، سیاست تدافعی را در تباد و اعماق وجود اجتماعمان باید بفرستیم کما اینکه با استکاء بر همین خصوصیت بوده است که طی سدهها و قرون بسیار ملت ایران باقی ماند. بسیار اتفاق افتاده است که شاید از نظر تکنیک، از نظر وضع اقتصادی در آن دورانهای بحرانی ملت های دیگری بودند که از ما وضع بهتری داشتند ولی آنها رفتند و مغلوب

شدند، شکسته شدند تغییر ماهیت دادند ولی ملت ایران با برجاماند، برای چه؟ برای اینکه این سیاست نهادهای ما در این بودیم. در شرایط کنونی یکی از طرق رسیدن به این منظور را بخصوص از نظر تکنیک و سازمانهای مملکتی، مسئله کوشش هر چه بیشتر در راه صنعتی شدن مملکت میدانم این امر هرگز یک امر عجیبی نیست، در شرایط کنونی سیاست تدافعی بطور معمول بطور عمیق تر و ژرف تر در سرزمین هائی حر میشود که در آن سازمانهای وسیع تر صنعتی هستند یکی از خصوصیات این است که بهر حال سازمانهای صنعتی در شرایط لازم امکان تبدیل صنایع مورد نظر نظامی را خواهند داشت یعنی وقتی یک ملتی آشنا شد با صنایع بطور کلی، با تکنولوژی صنعتی آشنا شد و این روح صنعتی را گرفت همانطور که عرض کردم روح صنعتی در اعماق روستاهایش هم رفت، چنین آمادگی را از این نظر پیدا خواهد کرد و باز هم متأسفانه در لایحه بودجه من هر چه تخصیص کردم جای ویژه ای از برای صنایع انسی، فضائی و الکترونیک ندیدم و آنچه باز حائز توجه است تنها این نیست، مثلاً این نیست که الان ما بیرویم سیاره ای را ماهواره ای را به فرستیم بلکه منظور این است که واقعاً باید برنامه های دقیق اجرا بشود برای اینکه جامعه ما در سطوح مختلف درک تکنولوژی این صنایع را بکند، این مهم است و هر اندازه که در این راه کوشش بکنیم هر اندازه که در مورد انجام این امور را بعداً تأخیر بیندازیم، بمانند از یک مسائلی غافل خواهیم بود که در یک زمانی که تا چندین پیش نسبت صنایع سنگین و ذوب آهن پیدا کردیم. بطوریکه من پیش بینی میکردم، فکر میکردم شاید این موضوع در برنامه های وزارت علوم و آموزش عالی پیش بینی میشود و هر چه بررسی کردم با میزان بودجه ای که دیدم برای وزارت علوم و تعلیمات عالی در نظر گرفته شده است مثل اینکه موردی برای این برنامه پیش بینی نشده است علی ایحال این یکی از مسائلی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. در خصوص سیاست نهادهای دفاع بنا بر این موضوع روح دفاع همگانی باید در قشرها و گروههای مختلف

اجتماعی بوجود بیاید باز در همین زمینه است که موضوع فروش معافیت را که قبلاً عرض کردم با یک چنین امر مهمی مربوط میبینم و امید چنین داریم که با توجه به این مسئله این رقم در آمد کوچک را از بودجه قبول کنند که حذف شود. در خصوص مسائلی که عرض کردم خاصه در مورد سیاست خارجی بمفهوم اجرا و تفهیم اصول سیاست مستقل ملی ایران مطمئناً نقش و وظایف بزرگ و بسیار مهمی بعهد وزارت خارجه خواهد بود در واقع با کوشش هائیکه تا کنون سازمانهای مربوط بوزارت خارجه ما داشته اند با بودجه ای که پیش بینی شده است همینطور که باز بررسی کردم بیشتر یک بودجه پرسنلی است نه بودجه عملیات بطور قطع نمایندگان ملت ایران سازمانهای مربوط بوزارت خارجه و دیگر نمایندگانی که در سازمانهای دیگر هستند و وظایفی از این قبیل برعهده دارند در هنگامیکه به این اصول توجه کنند یا اگر بخواهند وظایف و نقش خودشان را برون از مرز ایفا کنند آن قسمت که بسیار اساسی تر هست و باید مورد توجه قرار بگیرد عملیات آنهاست بودجه مربوط به عملیات آنها رسم چنین بود که نمایندگان دولت ایران، نمایندگان سازمانهای مختلف اینطور فکر میکردند هم آنهاطور که در تهران در یک محیط خاصی پشت میز نشین هستند در خارج از ایران هم به همین کیفیت میبایست عمل شود در حالیکه جز این است و مفهوم و منظور پراهمکاران گرامی استنباط میفرمایند ما نیاز و احتیاج یک فعالیت و تحرک شدید در خارج از ایران داریم احتیاج به این داریم که یک نماینده اقتصادی یک نماینده سیاسی یک نماینده فرهنگی ایران وقتی بصوب مأموریت خودش عزیمت میکند بخوبی بداند که وظایف مهمی برای حفظ این میراث هائیکه عرض شد تقسیم اصول سیاست ملی ایران بعهد او هست یعنی این سازمانهای ما باید هر چند وسیعتر تبدیل بشوند یک سازمانهای متحرک، تنها مسأله عبارت از این نیست که ما در یک منطقه ای در یک شهری ضایع اقتصادی داشته باشیم این نماینده اقتصادی باید دقیقاً دریابد وظایف بزرگی را بعهد دارد او باید دریابد تحولاتی که در مملکت پیش آمده است، هدفهای اقتصادی و صنعتی که برای ما مطرح است، ایجاب میکند که او در محل خود از حالا بررسی بکند، ایجاب میکند از هر

جبهت بررسی کند و ببیند چه بازار فروشی میتواند گیر بیاورد ببیند چه منابعی برای صنایع آیند ما میتواند فراهم کند ببیند چه قدرتهائی هست چه عواملی هست که در کشورهای خارج همچنان بر علیه ما تحریک میکنند؟ من عرض میکنم چنین فعالیتهائی باید بشدت و با وسعت صورت بگیرد بسیاری موارد را من دیدم خود من مدتی کوتاه در آمریکا بودم دیدم که عوامل وابسته بعضی از سیاستهای مضر بطور حتی در دانشگاهها رسوخ میکردند برای اینکه نویسندگان و تنظیم کنندگان دایرة المعارف ها را و ادار کنند که نام خلیج فارس را تبدیل کنند بخلیج عربی ولی متأسفانه چنین کوششهایی از طرف نمایندگان ایران مسئولین مربوط صورت نمیگرفت اگر هم گاهی ایران پرستان دانشجویان ایران پرست دانشجویانیکه در صفوف حزب بان ایرانیت قرار دارند می رفتند و کوشش می کردند چنین مواردی را پیدا می کردند و می آمدند و بازگو می نمودند متأسفانه آن توجه لازم صورت نمیگرفت این یک مسأله بسیار اساسی است وزارت خارجه ما، سازمانهای دیگر ما که هر یک بنحوی از انحاء حتی یک قدم آنسوی مرزهای ایران نمایندگی دارند این نمایندگان باید بدانند و عمیقاً درک کنند که چه وظیفه مهمی بعهد دارند (رضوی - الان که میکنند شما راجع به گذشته میفرمائید) البته تحولاتی حاصل شده است و کوشش های بسیار و خستگی ناپذیر و شبانه روزی انجام گرفته است ولی در سطح وسیع و کافی نیست یک قسمت از این بداینجهت است که اعتباری که برای اینها پیش بینی میکنیم یک اعتبار صرفاً پرسنلی است این مسأله مهمی است که باید بررسی بشود تحقیقاً هم لازم است که وزارت خارجه نیازمند یک بودجه های عملیاتی هم هست و بودجه کنونی وزارت خارجه بسیار کم است ولی بهر حال این یک مسأله بسیار اساسی و حساسی است نمایندگان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ما احتیاج به تحرک دارند و باید تحرک پیدا کنند و آن بیچوجه در سطح مورد ضرورت در سطح کافی نیست اجازه بفرمائید این نکته را عرض کنم ما وقتی مسائل را بررسی میکنیم موضوع این نیست که ببینیم آیا در یک مورد نسبت به وضع قبلی تغییری حاصل شده است یا نشده است البته غالباً بیان میکنیم و تحسین و ستایش می کنیم ولی هنگامی که در یک مدار وسیعی مسائل را بررسی میکنیم واقعاً باید ببینیم چه کیفیت ما نیروهای اجتماعی و سازمانهای اداری را تجهیز کنیم از برای اینکه بان هدفهای بزرگ برسند عرض کردم و این را

همگان آگاهی داریم ما در یک کشاکش بزرگ هستیم مادر یک مبارزه بزرگتر هستیم ما یک زندگی تازه افتخار آمیزی را شروع کرده ایم یک نکته را عرض کردم و گفتم این امر ساده ای نیست که مبارزات و کوشش ها با نجا رسیده که انحصار های نفی شکسته شد و منافات ایران را با بازارهای فروش عرضه کردیم این را همانطور که جناب آقای نخست وزیر اینجا فرمودند اینها بایک مبارزات ساده ای بدیت نیامده و اینها مبارزات و تلاش های کوچکی نیست این مبارزات و تلاش های بزرگ نشانه دگرگونی عظیم زندگی است پس بناچار باید اوضاع و برنامه های خود و سازمانهای خود را با این تحولات بزرگ هماهنگ کنیم امروز کاملاً همینطور است یک نماینده فرهنگ ایران را این فرهنگ ایران باید در باید بداند که با چه دقت و وظایف بزرگی را باید ایفا کند و الا اگر منبأ انجام تشریفات باشند که ممکن است بگوئیم کمی بهتر شده یا خدای نکرده در مواردی هم کمی بدتر علی ایحال همانطور که عرض کردم این مساله بی اندازه مهم است در واقع مساله کلی موجودیت مادر بیرون از مرزهای ماست و اگر این بودجه کنونی وزارت خارجه کفاف نمیدهد از برای یک عملیات وسیع تر آن کیفیت که بیان شد، بنا بر این باید توجه اساسی بدان موضوع کرد. موضوع دیگر در این زمینه در مورد دفاع و کوشش برای حفظ میراث فرهنگی و گسترش فرهنگ فارسی و ادب فارسی است بطور اختصار، من تنها یک مورد دیدم که در ردیف ۵۹۰۷ این بودجه در صفحه ۱۸ قسمت ۴ ذکور شده است که مربوط است به هزینه های مرکز پهلوی در دانشگاه شیکاگو این تنها موردی بود که من در این بودجه اختصاصاً برخورد کردم عرض من این است که توجهاتی از این قبیل در سطح وسیع تر و گسترده تر لازم است، مثل اینکه یکی از ناظرین انگلیسی بود که نطق کرد و یکی از دوستان برای من تعریف کرد که گفته بود کوشش ما این است که شکسیر را به مسکو ببریم منظور او درست نمودار کوشش های همه دولت ها و همه ملت هایی است که میخواهند رشته های بستگی که عرض کردم پیدا کنند، فرهنگ و فلسفه خودشان را، افکار و عقاید خودشان را به مناطق هر چه دور دست تر ببرند. مادر دیگر سرزمین ها بمیراث قرون و اعصار گذشته یادگارها و شخصیت های زیادی داریم افسوس این است که کوشش و تلاش لازم را برای نگاهداری آنها نمیکشیم این مساله در

آن سطح از اهمیت است که بطور اختصاص باید در برنامه و در بودجه یک دولت پیش بینی شود، ایجاد خانه های فرهنگی در سطحی بسیار وسیع و در کشورهای متعدد از اقدامات عمده ای است که باید انجام شود یکی از گامهای مؤثری است که دفاع و حمایت از این میراث فرهنگی را تأمین خواهد کرد معرفی فرهنگ و فلسفه و هنر ایران در سطحی وسیع تر البته اقداماتی درخور توجه از سوی وزارت فرهنگ و هنر صورت گرفت و ولی بیشترین جنبه توجه عرض ما این نکته است که باید این کوشش را در برون از مرزها دنبال کرد یک نکته بسیار مهم که بدین امر بسیار اساسی ارتباط دارد مسأله جذب دانشجویان و دانش آموزان است در دنیای زبان فارسی و با از مناطق اطراف میهن ما به آموزشگاهها و دانشگاههای ایران، این امر آنقدر حائز اهمیت است که بطور قطع باید یک میزان معین و شایان توجه برای این دانشجویان مبالغی خاص محل های خاص و بورسهای خاص در سطح وسیع در نظر بگیریم. همینطور که همکاران گرامی آگاهی دارند یکی از روش هایی که ملت های دیگر هم در پیش میگیرند که من حلیه نمیخواهم دقیقاً بشکافم و باز گو کنم این است که با انواع گوناگون و از طرق گوناگون دانشجویانی را از کشورهای موند نظر بدانشگاههای خود میبرند و در بعضی از کشورهای مشابه ما آمارش میدهد که این تعداد با اندازه و حد بسیار مهمی است ما از این مسئله نباید غافل باشیم در اطراف ماملتهائی هستند، دولت هایی هستند که اینها در منطقه زبان فارسی، فرهنگ فارسی قرار دارند. در اطراف ما مناطقی هست که اینها با ما پیوندها و ارتباطاتی دارند در سرتاسر خلیج فارس کسانی هستند که ارتباطات گسست نا پذیر با افراد و ملت و فرهنگ و شاعنشاهی ایران دارند، بطور قطع ما باید به تعداد زیاد و شایان توجه اعتباری خاص قائل بشویم برای اینکه به تعدادی زیاد از این قبیل دانشجویان در دانشگاههای ایران مشغول به تحصیل باشند این یکی از مسائل بسیار اساسی است، یکی از برنامه های اساسی است و از این برنامه اساسی نمی بایست غافل بود و من چه در این بودجه و چه در دیگر برنامه ها و طرحها اثر و نشانی از این مورد در آن حد لازم نمی بینم. موضوع دیگر که به امر سیاست نهادی دفاع

و مرتب میشود بطور کلی مسئله تبلیغات است، سازمانهای تبلیغاتی ما چه از نظر اعتباری و چه از نظر برنامه ها و طرح های لازم بطور کلی آمادگی ندارند از برای اینکه در این سطح وسیع، در این سطح همگانی یک تبلیغات وسیع را اداره بکنند خوشبختانه اخیراً دیدیم در همین برنامه پیش بینی شده است که یک فرستنده دو هزار کیلواتی براد خواهد افتاد، جای خوشحالی است در این حد، ولی بخاطر آقایان هست شاید هنوز هم همینطور است بهر حال بهر دلیل و کیفیتی باشد غالباً وقتی چند فرسنگ از تهران دور بشویم به اشکال میشود رادیو تهران را گرفت. آخر بدین مردم باید غذای تبلیغاتی داد، به این مردم باید ادبیه ها را داد افکار لازم را داد از برنامه های ما، از هدفهای ما باید مطلع بشوند من عرض میکنم که چه اقداماتی در این زمینه صورت گرفته است (صحیح است) هیچ اقدام مؤثری در سطح چنین برنامه هایی ما نمی بینیم، شما تشریف ببرید به مناطق مختلف به مناطق غرب ایران بمناطق جنوبی ایران ملاحظه خواهید کرد وقتی میخواهید رادیوی ایران را بگیرد ده فرستنده عرب هم از جلوی آن میله رادیو عبور میکند و گاه آدم احساس میکند مثل اینکه مادریت محاصره بزرگه تبلیغاتی قرار داریم، برآستی اینطور است و ما در یک محاصره بزرگ تبلیغاتی قرار داریم. دهها دستگاههای فرستنده در اطراف ایران، در خارج ایران که اینها بنحوی وابسته به سیاستهای استعماری یا مداخلان و معاندان ملت ایران هستند بر علیه ملت ایران، بر علیه منافع ملت ایران، حقوق حقه ملت ایران و برنامه های تحول بخش ملت ایران تبلیغ میکنند، باید بر این تبلیغات مقابله کرد، مقابله تنها این نیست که یک سخن گوئی اینجا در رادیو ایران مطلبی را بخواند که کسی هم در هوا نشنود، مقابله این است که ما بناچار از نظر دستگاه تبلیغاتی خودمان را متناسب با آنها مجهز کنیم تجزیه کنیم خودمان را متناسب با آنها، اگر این تجهیز تبلیغاتی صورت نگیرد امکان مقابله در آن سطح لازم نخواهد بود (صحیح است) بنا بر این اولایک برنامه وسیع و همه جانبه تبلیغاتی باید صورت بگیرد برای تجهیز روانی و فکری همگان در داخل مملکت، ممکن است بفرمائید این تبلیغات هست ولی من عرض میکنم ممکن است این برنامه های تبلیغاتی از دستگاههای فرستنده بخش شود ولی بگوش همه مردم نمیرسد و بطور قطع باید به

کیفیتی تجهیز کرد به کیفیتی طرح بر نامد کرد که یکایک افراد ملت ایران، تمامی افراد ملت این سرزمین زن، مرد، دانشجو، دانش آموز بهر کیفیت و در هر جا که هستند این تبلیغات هماهنگ را احساس کنند (دکتر صدر - و دانشجویان ایران در خارج). بله آنکه در سطح وسیعتر، حالاً عرض خواهم کرد ما از تبلیغات در آن مناطقی که عرض کردم که ارتباط با تمامیت موجودیت ما دارد نمیتوانیم غافل بشویم و نباید غافل بشویم ما نیاز بر این داریم که یک تبلیغات بسیار وسیع در سرتاسر خلیج فارس صورت بگیرد، مطمئناً دستگاههای فرستنده ما باید باغذای معنوی تغذیه شود و آنطور که لازم است باید صدای ملت ایران را بدورترین نقاط خلیج فارس برساند باید نشریات متعدد بروشورهای متعدد و بهر حال تبلیغات از هر جهت و در هر زمینه مدام و بطور پی گیر در سرتاسر این منطقه و در میان مردم این منطقه گسترده شود این تبلیغات برای بیان اصول سیاست درست ما است برای آگاه کردن اینها نسبت به توطئه های دشمنان ملت ایران است ما اگر چنین تبلیغاتی را نکنیم چنین کوششها و تلاشهایی را نکنیم آقایان ما آینده را خواهیم باخت و در حالیکه نمیخواهیم بیازیم (صحیح است) بله در حالیکه نمیخواهیم بیازیم (عباس میرزائی - ما با ختن نداریم اما باید بهتر برویم پیش) جناب آقای عباس میرزائی مواردی را باید چنان عالی عرض کنم که چنین توجهاتی نشد باخته های بزرگ شد، منتهی امروز یک بیداری عمومی و ملی حاصل شد است و در این بیداری است که باید به این مسائل توجه بشود، اگر نشود خواهیم باخت مگر این که توجه کنیم و انجام بدهیم، بودجه ای که برای وزارت اطلاعات دیدم پیش بینی شده است ۳۷ میلیون تومان و اندی است که ۳ میلیون تومان هم از ستون درآمد برنامه است که جمعاً میشود ۴۰ میلیون تومان (بکنفر از نمایندگان - خیلی کم است) بله من فکر میکنم در نحوه تبلیغات در اینکه خوراک تبلیغاتی چه باید باشد در اینکه آن مواردی که باید از نظر یک طرح تبلیغاتی چه باید باشد سخنهای بسیار است اما آنچه مسلم است همانطور که عرض کردم امروز مسئله تبلیغات دیگر کاملاً مسئله تکنیک است درست مسئله میزان قوای است که هر عامل تبلیغاتی کننده به بازار عرضه میدارد ما برای اینکه مقابله بکنیم، سخنهای خودمان را بیان بکنیم باید بتوانیم در همان سطحی که سایرین هستند

حداقل مجیز بشویم. من فکر نمیکنم به این کیفیت بتوانیم تجبیر لازم تبلیغاتی را بدست بیاوریم و فراهم بکنیم. یاقوتی بود آنوقت که مادرمرحله این تحولات بودیم آنوقت که چنین اصولی مطرح نبود آنوقت که قبل از انقلاب دستگاههای مسئول یک مسائل اساسی توجه نداشتند آنوقت که مبارزات ملی مانا را درگیر مسائل وسیع نکرده بود آنوقت که به این مسائل ملی آنچنان توجه نبوده مفهومی که از دستگاه تبلیغاتی مملکت میشد عبارت بود از یک دستگاهی، یک مرکزی که گاهی آهنگ هائی بخش میشد و گاهی هم سخنرانی هائی مذهبی ولی امروز این نیست دستگاه تبلیغاتی مملکت باید حقوق ملی ما آرمانهای ملی ما سیاست ملی ما اصول سیاست های اقتصادی و صنعتی ما تا بیانات بحق ملت ما را نادرترین نقاط ناعظام مدارها و تمام آموچی که معاندین و مخالفین ما میخواهند بر علیه ما توطئه بکنند منتقل کنند یک چنین دستگاه وسیع تبلیغاتی خواهد توانست تبلیغات نظم انقلابی ایران و تبلیغات جهانی ضد استعماری ملت ایران را در مناطق و مراکز مختلف منعکس کند و این دستگاه فعلی نمیتواند چنین باری را روی دوش خودش بکشد. من عرض کردم مسائلی را که در بررسی بودجه مورد نظر قرار بگیرد اینست که به بنیم آن وظیفه ای که در نظر گرفته شده است با این مقدار انرژی یا اعتباری که به این دستگاه ما میدهم فرض اینکه تمام این کوشش های لازم صورت بگیرد آیا توانائی خواهند داشت که بدین هدف ها برسند یا نه؟ به کیفیت که عرض کردم و با توجه به اینکه مادر یک محاضره بزرگ تبلیغاتی قرار داریم و این حقیقت است آقایان که مادر یک محاضره بزرگ تبلیغاتی قرار داریم، این نه تنها در اینجا هست بلکه در برخی از کشورهای خارج هم هست، همین دانشجوی ایرانی که گفتید، تنها بعزت آن سائقه ایران پرستی شان هست که مقاومت میکنند و مقابل میکنند ولی میدانم در اروپا اینها زیرجه تازیانه های مخالف تبلیغاتی قرار دارند این را ما بخوبی میدانیم زیرا ما یعنی بخصوص بان ایرانیست هادر این مبارزه هستند و در روئین سینه، ما میبینیم که یک دانشجوی ایرانی را چند نشریه وابسته به صفوف دشمنان ما تحت تبلیغات خودش میخواهد بگیرد بنیم که چند دستگاه فرستاده را دیوئی روز و شب در گوش او تبلیغات بشوم میکنند، ما نمیتوانیم آنها را

مانع شویم که آن تبلیغات را نکنند اما پرسش ما این است که ما در برابر این تبلیغات چه میکنیم؟ مادر برابر این تازیانه های مکرر تبلیغاتی چه کاری انجام میدهم؟ (دکتر فرهود - کارهای اساسی ما هست) در اینجا درست، در خارج چه آقای دکتر؟ اگر میخواهید از برابر این مسئله هم بگذرید مثل حالا بگذرید ولی این مسئله هم مسئله ای نیست که از برابرش بگذرید، همین کارهای درست را آقای دکتر فرهود، عرض میکنم همین کارهای درست را باید با یک وسائل تبلیغاتی برای همان دانشجویان ایرانی درست گفت یک درد بزرگ ما این است که در این مملکت که انقلاب شده است در این مملکت که تحول شده است ولی متأسفانه آنطور که باید و شاید تبلیغ لازم روی آن صورت نگرفته است (صحیح است) این مسئله اساسی این امر اساسی واقعاً این نکته هست که ما می بینیم که چنین مطالبی و چنین موادی که هرگاه اگر هر یک از این اصلاحات را برای اینکه بدانید صحیح است عرض میکنم، همین امر اصلاحات ارضی شما نشان بدهید که در یک جامعه دیگر در یک واحد دیگر یک چنین انقلاب بزرگ به این کیفیت به این سهولت، به این سرعت، به این درستی صورت گرفته باشد. شما نمیتوانید موردش را ببینید اگر یک چنین مسئله ای خوراک دستگاههای دیگر بود یک گام کوچک در این راه برداشته بودند دنیا را زیر فریادهای تبلیغاتی خودشان گرفته بودند من عرض میکنم مسئله بزرگ و مهم اینست که وقتی ما می بینیم این تحولات اساسی صورت گرفته است، این جنبش ها صورت گرفته است و این گامها برداشته شده است پس جزا نباید کوشش های وسیع صورت بگیرد؟ که این مسائل را برای ایرانیهای خارج از مرز دقیقاً طرح بکند و اگر این کار مهم صورت بگیرد بسیاری از مشکلات ما حل است در این راه باید حرکت کرد نه در داخل مملکت در همینجا واقعاً از هر یک از این موارد که میخواهم بگذرم اما برآستی می بینم حائز آن چنان اهمیتی است که اشاره ای به آن لازم است در مورد همین مسائل که عرض کردم مثل شکستن انحصارهای نفتی را در نظر بگیرید این مسئله آب تنهائی کافی نیست؟ که واقعاً اگر در آن حد خودش تبلیغ و توجه لازم صورت بگیرد نه تنها ایرانی بلکه هر عنصر

ند استعمار که در این روزگار هست سیاستمدار و شاکر ملت بران باشد (صحیح است) واقعاً هست پس ما از نظر آرماتیا، از نظر اقداماتی که صورت گرفته خوراک های تبلیغاتی و تجبیر روانی داریم ولی در یک سطح دستگاههایمان بجز نیست و در یک سطح مسئولین مربوط از صمیم قلب سکن است که این وظائف را انجام ندهند بنابراین چون بن آزمایشی است که ما نسبت بدان دانشجویان عزیز و ایران بست خارج از کشور داریم که اینها وقتی مسائل را برایشان زجه میکنیم، اقدامات را توجیه می کنیم، کوشش هائی که صورت گرفته است توجیه میکنیم اینها نجان با تمام وجود بدفاع از ملت خود، بدفاع از رفعت کنونی مملکت خود بر میخیزند که با شهادت و حرکت بسیار بر ابر توطئه ضد ایران مبارزه میکنند اما آنها خدکائی هستند؟ آنها بی هستند که ما بان ایرانیست هادر حد کوشش حردمان صدایمان را بگوش آنها میرسانیم، حالا اگر این صداها وسائل بیشتر و در سطح بیشتر بگوش آنها رسانده شود تا هم در این جوشش و کوشش در راه برنامه های ملی شرکت خواهند کرد و در نتیجه ما یک تحرك همگانی را در میان ایرانیان بیرون از مرز و خاصه دانشجویان ایجاد خواهیم کرد، اینها بطور کلی امور مربوط سیاست خارجی و عمل اجرائی اصول سیاست ملی ایران و نکاتی بود که در بن زمینه تذکر و بحث آن از نظر ما لازم و ضروری بنظر میرسد. آنها در خصوص امور اجتماعی و یا سیاست اجتماعی که در این بودجه نسبت بمطالب مربوط به امور آموزشی در آن قسمت که بحث مربوط بدرآمد و فصل درآمد بودجه تریبی را به اطلاع خانمها و آقایان رساندم توضیحات لازم عرض رسید الا اینکه یک نکته را عرض میکنم و آن مسئله سرمایه گذاری خصوصی در امر آموزش است اصولاً اگر هم بخواهیم اصل سرمایه گذاری خصوصی را در امور آموزشی المنفعه بپذیریم که این امور از آن اموری است که از اما دولت باید تصدی کند، دلایل و توضیحات آن را در مطالبی که صبح عرض کردم عرضتان رساندم، ولی بفرمی که بخواهیم سرمایه گذاری خصوصی را در امور عام المنفعه بپذیریم، خدمات ابراز شده از این سرمایه گذاری باید بمیزان و نسبت تمام شده باشد به این معنی که امور عام المنفعه جنبه تجاری و سودجویی نمیتواند داشته باشد و اگر کسی قصد سودجویی و بازرگانی دارد بهتر اینست که سرمایه اش را برود در بخش دیگری و قسمت دیگری سرمایه گذاری بکند و الا حداکثر اینست آنکسی که در امور عام المنفعه مثل امر آموزش، امور درمانی سرمایه گذاری میکند این در واقع اینست که بدسائفه یک خدمت و بسائفه یک خدمتی در برابر ملتش و هموعش و جامعه اش اقدام به این امر میکند بنابراین حدود و اصولی را که بفرض محال بفرض آنکه دولت مشکلاتی را میبیند از برای اینکه وظائفی را که از نظر امور عام المنفعه بعیده دارد مثل امر آموزش و امر درمانی مقتضی بدانند که بخش خصوصی قسمتی از آنرا تقبل بکند بطور کلی میبایست توجه به این اصل باشد که جنبه سودجویی نداشته باشد و خدمات باقیمت تمام شده ابراز بشود، در این باره بود که در برنامه چهارم هم بخصوص در کمیسیون نسبت بجنبه های مربوط به امور درمانی بحثهایی صورت گرفت و یک سلسله تغییراتی که در این سمت انجام شد اگر چه بغایت مقصود نبود ولی در این سمت بود، در لایحه برنامه چهارم مورد نظر قرار گرفت و در همین مورد بود که مسئله همگانی کردن آموزش و درمان را کمیسیون و بعد هم مجلس محترم در یکی از بندهای مربوط به اصول هدفهای برنامه پذیرفت و از اینجهت توجه بسیار دقیقی بود که قوه مقننه به این مسائل کرد، یک توجه بسیار دقیقی بود که در مسائل مهم اجتماعی ما صورت گرفت و این اصول و موارد بایستی در سایر اقدامات و لواحق دولت از جمله بودجه که باید هم آهنگ با برنامه چهارم باشد دقیقاً مورد نظر و توجه قرار بگیرد، در حالی که در این بودجه گذشته از آنکه تجویز یک نوع سرمایه گذاری شده است بدون رعایت این اصل، حتی مواردی دیده میشود که کمک های خاصی به این قبیل سازمانها شده و اسامی آنها را من در اینجا ذکر نمیکنم. بودجه هست آقایان مطالعه میفرمایند اصولاً اینهم که ندر سرمایه گذاری خصوصی که دولت بیا بد سرمایه بدهد، معلم غالباً بدهد و بعد تازه داسمش را بگذارند سرمایه گذاری خصوصی؟ اگر اینطور هست اینکار را خود دولت بکند و بعد هم این قبیل تأسیسات خصوصی شهریه های سنگین و بیش از حد تصور بگیرند. این قبیل سرمایه گذاری نباید صورت یک روش معمول در آید و در این بودجه در

مواردی این امر تجویز شده و از این نظر مورد ایراد هست و مواردی منعکس هست که ملاحظه فرمودید. مسئله دیگر که در اقلام تفصیلی بودجه با آن برخورد کردیم عبارتست از مبالغ نسبتاً شایان توجهی که برای اجاره بهای مدارس پرداخت میشود و این بسیار مناسب تر است که بهر حال کوششی صورت بگیرد که هر چه زودتر مدارس و آموزشگاههای ما هر یکجائی را برای خودشان داشته باشند و به اینصورت رقم بسیار هنگفتی که شایان توجه است از بابت کرایه محل داده نشود در ضمن در همینجا برخورد کردیم برقمی که تعجب کردم رقمی که در ردیف ۱۲۸/۱ صفحه ۴ قسمت چهارم هست یک میلیون و نهمصد هزار تومان از بابت بدهی دولت بکنسر سیوم برای ساختن مدارس، اینمورد تا آنجائیکه بررسی شد مثل اینکه اصولاً و در واقع این امر را اگر خود سازمانهای ما تصدی بکنند با پرداخت همان پنجاه درصد هم تعداد بیشتری مدرسه ساخته خواهد شد چون اینجا بررسی شد و بخصوص یکی از دوستان بمن یاد آور شد و من اینجا بیان میکنم و عرض میکنم که همین پنجاه درصد اگر بدین کیفیت است در نظر گرفته شود که در واقع خود ما سازیم بخصوص که اینطور هست و ارزاتر و بهتر هم تمام خواهد شد (بختیاری بورد - انجمن های فرهنگی میسرند اینها فقط سهم میدهند) (دکتر صدر - پس بدهی کنسر سیوم چیست؟) ۵۰ درصدی است که گویا دولت باید بپردازد حالا اینرا بعدشاید توضیح بیشتری جناب آقای وزیر بفرمائید، مسئله دیگر در این قسمت سیاست اجتماعی موضوع دبیرستانهای حرفه ایست در خصوص این مدارس حرفه ای سالهاست که ما مطالبی میشنوم ولی هیچگاه برنامه هائیکه واقعاً بتواند بی نیازکننده از این نظر باشد دیده نمیشود اینجا من دیدم که برای سال ۴۶ مثل اینکه ۳۹ میلیون تومان اعتبار برای مدارس حرفه ای بوده برای سال ۴۷ مبلغی هم کمتر شده است که من نمیدانم با توجه به اینکه وزارت آموزش و پرورش در بسیاری از مناطق سنیکل دوم دبیرستانها را دادر نمیکند بدین عنوان که مدارس حرفه ای را میخواهد باز بکنند کمی فرزندان این ملت بمدارس حرفه ای دسترسی پیدا میکنند و نکته دیگر آنکه به این مشکل خواهد بود اینست که این مدارس حرفه ای برایشان برنامه ای تنظیم شود که در کنار محیط های کار دایر بشوند

البته این يك نظر وسیع و متوسطی است که بعد بنوبه خود عرض خواهم کرد. موضوع دیگر که در مورد سیاست اجتماعی است موضوع مربوط به امور جوانان است. این از مهمترین نکات است زیرا یکی از مهمترین مسائل هم عنوان شد و من نظر همکاران گرامی را بد صفحه ۲۷ قسمت ۵ جلب میکنم که این بهرحال محض توجه به این مسائل است و نظریتی هم که برای حل این مسائل پیش بینی کرده اند و بعد عرایضی در این خصوص عرض خواهم رساند بموجب ردیف هائی که در این صفحه منعکس شد است برای مسائل مربوط به جوانان اقلامی در نظر گرفته شد تربیت بدنی، دانشگاه تهران، سازمان تربیت بدنی و تفریح و سالم ایران، هزینه اعزام قهرمانان سازمان پیشاهنگی هدایت جوانان، کاخ جوانان و این قبیل يك نکته است که اصولاً در این برنامه ها و در نتیجه در این بودجه مشهود است. در این موضوع است که امر پرورش جوانان منفک از آموزش و پرورش در نظر گرفته شده یعنی اینکه اینها را مافکر میکنیم مسائل مربوط به پرورش جوانان غالباً در يك کادرهای دیگر، سوای آن کادرهای آموزشی شان در نظر گرفته شده نکته ای که میخواهم عرض کنم اینست که این نوآموزیادانش آموزین کیفیتی که در محیط آموزشی آموزش می بیند همانجا هم در نظر بدنی، از نظر فکری پرورش لازم را باید ببیند بنابراین باید بدین اصل توجه بکنیم که امر آموزش و پرورش را بیکه و مرتبط با يك محیط بشناسیم این امر بکیفیت و بصورتی در آمد که در واقع حالا وزارت آموزش و پرورش باز باید این را عیناً کند که اگر بهمین کیفیت ادامه پیدا کند من اطمینان دارم که در آینده نزدیک نسب اینکه يك مقدار از وظائفش را وزارت آموزش و پرورش انجام نمیدهد يك وزارت پرورش هم تشکیل بدهد و وزارت آموزش و پرورش بشود وزارت آموزش معنی در حالیکه اینطور درست نیست آموزش و پرورش جوانان نونهالان ما فرزندان ما از نخستین مرحله تا بالاترین مرحله باید در يك کانون و در يك محل مورد توجه و بررسی قرار بگیرد این وضعی بود که وجود داشت من واقعاً الآن احساس میکنم خود ما که بدبستان میرفتیم غالباً تا سالیهای دوم سوم دبستان حداقل چندسرد میهنی بما می آموختند ولی شما این را تعجب بفرمائید کدام يك از فرزندان کلاس دوم سوم ابتدائی ما

يك سرد میهنی به او آموخته اند من میخواهم عرض کنم به این کیفیت و به این شدت محیط های آموزشی ما از امر پرورش منفک و غافل شدند در حالی که این امر مربوط به آموزش و پرورش جوانان را باید در يك محیط آورد چه در دبستان، جدر دبیرستان، چه در دانشگاه و این آن مسئله سیاسی و مهمی است که مورد توجه نیست (در این موقع آقای دکتر خطیبی نایب رئیس اداره امور جلسه را به آقای مهندس ارفع نایب رئیس سپردند) و آنچه را که بنام مسئله جوانان ایجاد شده تا يك حد زیادی ناشی از این امر است که مثلاً اینکه برای پرورش جوانان برای نیرومندی روح جوانان برای بخشیدن افکار و اندیشه های مناسب به آنها ما دچار ایجاد محیط های دیگر هستیم ایجاد این محیط های جداگانه بنام محیط هائی برای پرورش جوانان حاکی از این است که کانونهای آموزش و پرورش دقیقاً وظایف خودشان را انجام نمیدهند و این وظائف را عرض میکنم باید بدان محیطها منتقل کرد در نتیجه مقدار زیادی از این اعتبارات بنابر زیادی از این وظائف به آن محیطها باید منتقل شود بزم بخوبی بخاطر همست و آقایان هم بخاطر دارند که يك وقتی واقعاً يك نظم جامعی در این محیط های آموزشی بود عرض کردم بدبیرستان میرفتیم با يك لباس می رفتیم بدبستان میرفتیم همه کسان بوز آن کلاس در يك محیط در دردهای پیش فنگی فراموشی فراموش هم داشت آموزش آن کلاس و در آن دبستان تعلیمات آموزش و پرورش میدیدند و همه در همان محیطها تمام آموزشهای لازم و پرورشهای لازم میدیدند از روحانی پیشاهنگی در شهرها و روستاها و پیشرفت خوبی کرده) (دکتر المونی - آقای روحانی خودشان پیشاهنگ هستند) شایر این مسئله آموزش و پرورش بطور قطع باید در يك جایگاه مورد بررسی قرار بگیرد و در يك جایگاه آن مسئله بر دایم که آن ما را همان کانونهای آموزش است و این کانونهای آموزش پرورش جدا بیکه از اسمش بیادست که وزارت آموزش و پرورش، اگر در تمام مراحل بر طبق يك برنامه درست بر طبق يك توجه دقیق وظایفی را که برعهده دارد انجام بدهد دیگر ما مسائل مشکلاتی را که در مراحل بالا با آنها روبرو میشویم نخواهیم داشت... در خصوص بهداشت و درمان... یکی بدبستان بدداشتی فرستاده اند چون معمولاً باداشتها را

اینجا خواندم این یادداشت را هم میخوانم و بعد بدسخن ادا من میدهم نوشته اند البته با ظرافت و لطف فرموده اند نوشته اند که اگر چه نطق تودل تازه دارد ولیکن نطق هم اندازه دارد (خنده نمایندگان) (احسن) (عباس میرزائی - بالاخره کار بدشعر کشید) خوب تا بدجه نخودآوری بفرمائید (خواجده نوری - بسیار استفاده کردیم) علی ایحال فکر میکنم که دیگر همکاران گرامی هم ادای سخن خواهند فرمود خاصه اینکه طرز کار و نحوه بد این کیفیت بوده است که از سوی هر گروه پارلمانی یک نفر ادای سخن میکند و تمام آن مسائل را که در خصوص لایحه بودجه بنظرشان میرسد بالازم بدانند بیان خواهند فرمود که دل نگران باشند از خستگی ولی من قول میدهم موقعی که هنگام صحبت همکاران محترم شد من بی هیچ وجه خسته نشوم و کاملاً گوش کنم (عباس میرزائی - ما هم خسته نشدیم بسیار عالی بود) در خصوص بهداشت و درمان در قسمت برنامه خدمات درمانی در صفحه ۳۰۴ کتاب بدشرح اجرای برنامه ها و فعالیت های دولتی اصل اعطای وام بد گروه های پزشکی پیش بینی شده است این همان نکته ای است که در هنگام طرح لایحه چهارم بدقت و به تفصیل درباره آن صحبت شد و درست آن مسائل تصمیماتی اتخاذ شد عرض نمیکند که موضوع حل شد درست آن مسائل تصمیماتی اتخاذ شد و از این جهت بهرحال جای سیاستگذاری است از توجه دقیق مجلس شورای ملی اما اصولاً این اصل واگذاری وام به گروه های پزشکی خدمات درمانی را از آن سطح همگانی خودش خارج میکند و همانطور که در مورد آموزش و پرورش عرض کردم به يك نوع خدمات طبقاتی تبدیل خواهد کرد و مسئله خدمات درمانی از آنجمله اموری است که دولت مکلف است که خود بعهده بگیرد و همگان را از این نظر بی نیاز بکنند و حتی متأسفانه اینطور شنیده ام که بانکها، بعنوان اینکه يك چنین تریبی اتخاذ خواهد شد برخی از بیمارستانهای نیمه تمام شهرستانهای دور افتاده را با آنکه دستور مقتضی جناب آقای نخست وزیر صادر فرمودند و قرار شد وزارت آبادانی ومسکن به انجام برساند اما چون وزارت بهداشتی عقیده داشته است که بد این نحو عمل بشود و اگر بیمارستانهایی تأسیس میشود باید به این گروه های خاص

داده شود این برنامه اجرا نشد نمونه‌ای از نحوه اجرای این سیاست عدم تکمیل این بیمارستانها در نقاط دور افتاده مملکت است که با توجه به همین مسائل بود که نمایندگان محترم چدر مجلس شورای ملی وجه در جلسه کمیسیون من ناظر این بودم که عمیقترین نگرانی را از اجرای این اصل ابراز میکردند و این نگرانی پی‌درپی همه نمایندگان سبب شد که بهرحال این ترتیب با این کیفیت در لایحه برنامه چهارم، مجلس شورای ملی بعمل بیاید (اسدی) بشرط اینکه کمیسیون نفاشار نیاورند) امیدوارم بدر کمیسیون نفاشار که در مورد لایحه انجام شدن انجام بگیرد باز هم همانطور که در خصوص آموزش و پرورش عرض کردم اینهم شد سر مایه گذاری خصوصی در امور درمانی و همانطور که از طرف دوست عزیز سرورد کتر عاملی توضیحاتی در هنگام طرح لایحه برنامه چهارم در اینجا داده شدن دیگر مطالب را تکرار نمیکنم این سرمایه گذاری خصوصی نشد که دولت بیاید یک گروههایی سرمایه بدهد و بعد به آن گروهها بیمار هم بدهد و آن گروهها بیایند طلب دولت راه برگردانند و در این مورد بطور قطع راه اساسی این است که ماهر چه زودتر بیمه همگانی درمانی را اجرا کنیم نمونه مورد نظر هم در این خصوص همین بیمه اجتماعی کارگران است خوب مگر این قسمتی از مسائل را حل نکرد؟

(یک نفر از نمایندگان - بسیار خوب حل کرد) خوب پس چرا همین مالک و ضابطه‌ای نباشد برای ما؟ من میخواهم ببینم آیا اگر ما میآیدیم یک گروه پزشکی اعتبار میدادیم و میگفتیم برو با این اعتبار برای کارگران بیمارستان دایر کن آیا به این کیفیت عمل میشد؟ حتما عمل نمیشد بنا بر این چرا در این موردی که تجربه داریم کم مورد یک نفر، دو نفر، صد هزار نفر هم نبوده گروهها، گروههای بزرگ کارگران هستند و امروز یکی از پولدارترین، پردرآمدترین سازمانهای مملکت سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران است و من واقعا به هر یک از بیمارستانهای مربوط به این سازمان رفته دیدم که از نظر تجهیزات از نظر وسائل حداقل از نوع بهترین بیمارستانها است (صحیح است) خوب ما چیزی این مورد را نیابیم و شمول ندهیم و چرا یک بیمه همگانی درمانی ایجاد نکنیم (خواججه نوری - خوب اداره میشود ولی مؤسسه پولداری نیست چون تعهدات زیادی در مقابل دارد) شاید منظور من

عاجین فکر میکنم هرگاه میخواهید این برنامه اجرا شود درست نیست که اعتبارات درمانی بگروه‌های خاص پزشکی داده شود موضوع بسیار جالب دیگری که من در موقع بررسی و مطالعه دقیق این بودجه و منضمات، کتاب‌های منضم بودجه به آن برخورددم و فکر میکنم که واقعا از این به بعد بسیار جاست که یک ضوابطی در نظر گرفته شود که نشان میدهد از یک واحد اعتباری در یک امر خدماتی یا دو امر مشابه خدماتی نچه حد موفقیت حاصل شده است تا ما با این ارزیابی بتوانیم در بیمه آیا این برنامه‌ها توأم با موفقیت بوده یا نبوده و آیا تغییرات لازم باید داده شود یا داده نشود یک چنین نکات جالبی در صفحات ۳۰۶ و ۳۰۹ کتاب شرح اجرای برنامه‌ها و غلیت وجود دارد که این از نظر نمودار ساختن دو واحد درمانی بسیار شایان توجه است و آن عبارت از این است که سوج مندرجات و محاسبات در آن صفحات که عرض کردم هزینه هر تخت بهداری ۹۲۴ هزار ریال است و هزینه هر تخت شیر و خورشید سرخ ۲۳ هزار ریال است یعنی $\frac{1}{40}$ هزینه هر تخت بهداری (دکتر طالع - با توجه به اینکه بهترم اداره میشود) و برای هر دو تخت بهداری یک پرسنل است و برای هرده تخت شیر و خورشید یک نفر هست صفحات ۳۰۶ و ۳۰۹ که ضوابطی را نشان میدهد که یک مقدار واحد اعتباری در دو امر مشابه و خدمت مشابه بجهد میزان اثرات مختلفی دارد. این پوش بررسی بودجه بطور قطع برای دوره‌های بعد بجاست که با دقت بیشتر و بررسی دقیقتر صورت بگیرد یعنی اینجاست که دیگر هیچکس نمیتواند هیچ پاسخی بدهد الا آنچه که واقعا هست اینجاست که ما متوجه میشویم لازم است در بعضی قسمت‌ها تغییراتی بدهیم. بالا بداز نظر سازمانهای اداری از نظر ضوابط مختلف شکلات و ایراداتی است که باید بر طرف شود این نکته بعنوان یک ضابطه‌ای تنظیم کنندگان این چهار کتاب بسیار مفید ارائه کرده‌اند واقعا از صمیم دل تشکر و سپاسگزاری میکنم (احسن) و امیدوارم نسبت بموارد دیگر دقت بیشتری بشود که یک چنین ضوابطی را بیشتر پیدا کنیم تا بر زمینها و بخشها درست و دقیق بر آن موازین فنی و تکنیکی باشد که مورد نظر هست البته این بشارت را میدهم که بسیاری از مطالبی را که میخواستم عرض کنم صرف نظر کردم (احسن)

اما در خصوص عمران روستائی در هنگام طرح لایحه برنامه چهارم عرض کردم با توجه به هدفهایی که در این مورد هست با توجه به این که بخصوص در این مرحله باید در روستاها نظم انقلابی را مستقر کنیم این اقداماتیکه شده است عبارت است از خلعید از آن نظم سابق و عبارت است از خراب کردن نظامات سابق. مرحله بعدی عبارت است از ساختمان انقلابی و ایجاد نظم انقلابی و قرار دادن روستاها در آن نظم انقلابی در این مورد چه در اعتباری که در برنامه چهارم پیش بینی شده بود چه در اعتباری که در بودجه پیش بینی شده است آن ظرفیت لازم را نمیبینم برای اینکه این اقدامات مهم را به این هدفها برسانیم ضمن بررسیهاییکه من میکردم مثل اینکه برای سال ۱۳۴۷ پیش بینی شده است در شرکت سهامی زراعی در نظر گرفته شود این قسمت را چون یادداشت نکرده‌ام دقیقاً بخاطر ندارم از جناب آقای دکتر کاظم زاده استدعا می‌کنم این است که اگر اشتباه شود تذکر بفرمایند پیش بینی شده است در شرکت زراعی در سال آینده تشکیل بشود و اینطور بخاطر مباد که برای هر شرکت سهامی زراعی یک میلیون تومان در نظر گرفته شده ممکن است اندکی پس و پیش باشد من یک چنین تعداد شرکت سهامی زراعی را و یک چنین اعتباری را برای هر شرکت زراعی به آن کیفیت که در قانون تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی پیش بینی شده است کافی نمیدانم چون یک وقت ممکن بود مورد نظر از شرکت سهامی زراعی یک شرکتی باشد شبیه شرکت سهامی تعاونی این البته یک میلیون تومان نه تنها ایجاد اشکالی نمیکرد بلکه شاید افزونی هم داشت ولی آن قانون شرکت‌های زراعی این واحدهای انقلابی را در یک سطح وسیع به نشان میدهد که وظایف مهمی بعهده خواهند داشت اولین آن این است که شرکت‌های زراعی با بدسطح و مرزدهات را برادر اندو بجای آن واحد جدید انقلابی یعنی واحد روستائی بیاورند انجام این امر چه از نظر تکنیک چه از نظر وسایل و چه از نظر آماده ساختن روستائیان و دهقانان از نظر روانی برای اجرای این برنامه بزرگ یک کار ساده‌ای نیست و من نمیدانم بجهد کیفیت چنین وظایف سنگین و بزرگی را این مقدار محدود اعتبار که داده شده میتواند عملی کند و این از مواردی بود که انتظار میرفت توجه بیشتری بشود چه در اینجا چه در لایحه

برنامه چهارم خاصه اینکه گزارش دولت حاکی از این بود که در مورد برنامه های کشاورزی نتوانستیم به آن رشد مندرج مورد نظر در برنامه سوم برسیم و انتظار چنین بود علی ایحال توجه بیشتر بشود خاصه اینکه شاید تصور دیگری از شرکت های زراعی باشد ولی واقعاً آنچه که از قانون شرکت های زراعی استنباط کردم این بود که این شرکت های سهامی زراعی باید وظیفه بزرگ استقرار نظم خاص انقلابی را در سطح روستاها داشته باشد (صحیح است) اینها وظیفه دارند آن شکل لازم را بدهند آن شکل سابق را انقلاب برهم زد امروز شرکت های سهامی زراعی باید آن شکل و حدود روستاهای سابق را بهم بزنند یعنی باید واحد جدید با امکانات جدید با تکنیک و وسایل و آموزش جدید و آموزش عمیق انقلابی در سطح روستاها بوجود بیاورند من نمیدانم چگونه این امر مهم و در این سطح از اهمیت را میتوانیم به این کیفیت انجام بدهیم؟ در خصوص رفاه اجتماعی و بطور کلی در مورد رفاه خانواده های کارگران علی ایحال در این خصوص مسأله اساسی این است که رفاه خانواده باید به آن مفهوم جزئی که در بودجه مندرج است، ایکنش که این موضوع را تحت عنوان دیگری در بودجه میگذرانند چون وقتی صحبت از رفاه خانواده میشود این یعنی یک امر کلی نسبت به تمامی خانواده های مملکت است و باید در این سطح موضوع را بررسی کرد و چنین بررسی یعنی ایجاد یک تغییرات اساسی و در گونی در بسیاری از موازین و مقررات مملکت بسود خانواده ها و بسزای دفاع از خانواده در مسائل مربوط به بسیاری از مقررات و قوانینی که هست و روابطی که هست متأسفانه هنوز خانواده را در آن مفهوم اساسی و اجتماعی و تاریخی خودش نمی شناسیم این تکه را در بحث مفضل تری عرض خواهم کرد ولی اشاره ای میکنم از برای اینکه هیئت محترم دولت و بخصوص جناب آقای نخست وزیر که بطور قطع به این مسئله توجه خاص دارند واقعاً برای آوردن لایحه برای تغییر آن قوانینی که بتواند بمعنی اساسی تأمین کننده رفاه خانواده باشد اقدام بفرمایند و خود ما هم همین کوشش را خواهیم کرد که اگر دوستان و همکاران دیگر پارلمانی همکاری کنند طرحهایی در این

زمینه بمجلس محترم تقدیم کنیم آقایان بخاطر دارید یاد نیست این تکه را عرض کردم یاخیر هنوز بسیاری از این مقررات و قوانین خانواده را بصورت یک تابع فرد و شخص میشناسد بموجب قوانین و مقررات کنونی اگر رئیس خانواده ای محکومیت کیفری پیدا کند و این محکومیت دارای آثار اجتماعی یعنی محرومیت از حقوق اجتماعی باشد او از کارش طرد میشود از محیط کارش کنار زده میشود بدون اینکه در قوانین و مقررات ماهیچ فکری برای خانواده او کرده باشند بدون اینکه باین نکته مانوجه داشته باشیم که خانواده او هم حق زندگی دارند حق مخصوص بخود دارند بنابراین این حق باید تأمین بشود و این امری است که بطور قطع (سپید کاتوزیان - در ارتش هست) بسیار جای خوشوقتی است (خواجند نوری - اخیراً از تصویب گذشت که بخانه خانواده افرادی که محکومیت پیدا میکنند مقرری داده شود) و باید این بصورت یک اقدام وسیع تر و عمومی تر بشود برای همه کسان از این قبیل. البته مسائل و موارد دیگر هست که در این زمینه بعداً بطور مبسوط بعرض مجلس شورای ملی میرسانم در خصوص بیمه های اجتماعی مطالبی عرض خواهد شد (مرتضوی - در جلسه آینده میفرمائید؟!) نخیر، فرصت الآن هست در خصوص مسائل مربوط به سیاست کشاورزی یک نکته ای که هنوز هم من فکر میکنم که ممکن است بیا من اشتباه کرده باشم با بطور اشتباهی چاپ شده باشد در بودجه یکی از وزارتخانه ها بکه بهر حال از آنجا که ما تأسیس آن وزارتخانه را ضروری میدانستیم بلحاظ وظایف مهمی که برایش پیش بینی شده است رأی موافق به لایحه تأسیس آن وزارتخانه دادیم این وزارت تولیدات کشاورزی است در هدفها و وظایف این وزارتخانه امور بسیار مهمی منعکس است اموری که بسیاری از کشاورزان، کشتکاران امیدوار هستند بر اینکه این وزارتخانه با انجام وظایفش بسیاری از مشکلات آنها را حل خواهد کرد و اصولاً دلایل تأسیس این وزارتخانه همین است من بودجی را که برای این وزارتخانه دیدم پیش بینی شده است هنوز هم فکر میکنم که شاید اشتباه چاپ شده باشد ۳۷ میلیون ریال است (دکتر صدر - این فقط کرایه آن وزارتخانه است) این رقم آقای دکتر کاظم زاده اشتباه نیست

دکتر کاظم زاده - صحیح است) مبلغ سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بر این ستون بودجه وزارت تولیدات کشاورزی ذکر شده من فکر میکنم مطمئن هستم با چنین بودجی نخواهد داشت این وظایف مهم را انجام بدهد، وظایف مهمی که گروه های بسیار مردم و غالب کشاورزان و کشتکاران تصور که عرض کردم متوجه اجرای این وظایف هستند بر ایحال این نکته ای بود در خصوص برنامه سیاست کشاورزی، مسائل و مطالب دیگری هست که چون ضمن بین توضیحات که خدمتان عرض کردم غالب این مطالب ممکن است حداقل اشاره ای به آنها شده باشد و ضمن مطالبی هم که بموارد دیگر نسبت به لواحق دیگر خدمت همکاران عرض کرده ام ممکن است اشاره ای به آنها شده باشد این است که از بیان نسیبهای اخیر میگذرم و از این همه بردباری و شکیبانی که همه شما و آقایان برای شنیدن این سخنان نشان دادند از سبب قلب سپاسگزاری میکنم (احسن - آفرین).

نایب رئیس - آقای مرتضوی رئیس کمیسیون بودجه توضیحی در مورد بودجه داشتند من از ایشان خواهش میکنم سخنان را بفرمایند.

مرتضوی (رئیس کمیسیون بودجه) - جناب رئیس، همکاران محترم، خانمها و آقایان همانطور که همکار محترم جناب پزشکپور در بدو سخنان خود فرمودند و اخیراً هم مجدداً به آن یادآوری کردند از آنجائی که علی القاعده نظرات با فراکسیون راجع به لایحه ای که دولت تقدیم مجلس میکند در محدود افکار و انگیزه ها یک جهت واحد خواهد داشت یعنی لیدر فراکسیون از طرف آن فراکسیون صحبت کرد در حقیقت مبنی عقاید آن فراکسیون خواهد بود و بهمین دلیل گفته شده بود که لیدرهای فراکسیونهای سه گانه مجلس همان افکار اعضای فراکسیون باشند ولی بنده اگر خارج از این برنامه مزاحم همکاران میشوم بعلت مسئولیتی است که بنده از نظر کمیسیون بودجه دارم و جواز می است که آئین نامه مجلس شورای ملی داده است و هر آنه اگر جناب پزشکپور نکلامها از کمیسیون بودجه نمیگردند قطعاً من مزاحم بشوم اگر عرض من برای همکاران خسته کننده باشد این سخن را باید بحساب ایشان بگذارید (دکتر صدر - اگر اینطور

است ما کلاً بدراپس گرفتیم) خیلی از مطالب هست که بس گرفتن نیست شاید در مابای قبل هم با یک چنین وضعی مواجه شده بودم که غالباً اتفاق سخن گفتن وقتی بمن می افتاد که بایستی بعد از یک ناطق زبردست و خوش بیان و خوش کلام صحبت کنم مخصوصاً جناب پزشکپور که بگفته خودشان لااقل ۲۵ سال تمرین بیان نطقهای مہیج دارند و افکار حزبی شان را در مدت این ۲۵ سال همیشه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند و بالطبع با چنین وضعی بنده نباید انتظار داشته باشم که کلام من آنقدر در شنوندگان مؤثر واقع شود شنیدم از دانشمندی که وظیفه وعظ و ارشاد روحانی جامعه را ایفا مینمایند پرسیدند تو بهتر صحبت میکنی یا فالان زید؟ گفت او خوب حرف میزند ولی من حرف خوب میزنم (خنده نمایندگان) البته جناب پزشکپور خوشبختانه هم خوب حرف میزند و هم حرف خوب میزند ولی من چون نمیتوانم مثل ایشان خوب حرف بزنم لااقل از خداوند استعانت میطلبم که حرف خوب بزنم جناب پزشکپور گله داشتند که گزارش کمیسیون در حدی که ایشان انتظار داشتند تنظیم نشده است، شاید خود بنده هم علاقمند بودم که یک گزارش مبسوط تری بهمکاران محترم تقدیم بکنم (احسن) ولی جناب پزشکپور فراموش نفرمائید که مادر آستانه بررسی این بودجه مواجه با یک فاجعه شدیم و آن از دست دادن مخبر کمیسیون بودجه است (عباس میرزائی - خدارا حمتشان کند) و در حقیقت وظیفه آن مرحوم بود که گزارشی برای بودجه تهیه کنند و بنده در خلال بررسی بودجه تمام اوقاتم در کمیسیون میگذشت و فقط بعد از خاتمه یافتن بررسی در کمیسیون همانطور که فرمودید در یک فرصت کوتاه توانستم استفاده کنم و این چنین گزارش کوتاهی را تهیه نمایم و فکر میکنم قابل بخشش و غمض عین باشد (طیحیح است) ولی در عین حال همانطور که بنده سعی کرده ام در تقدیم این گزارش از اطناب ممل صرف نظر کرده باشم همچنان هم از اجازت مغل اجتراز جستادم و تمام مسائلی که حضرت تعالی فرمودید با کلمات باجملات فشرده در این گزارش آمده است و بنده سعی کرده ام از روش خیر الکلام مائل و دل پیروی کنم (عباس میرزائی - این یکی هم که عرضی شد) برای شما گفتم که از عربی خوشتان میآید! (خنده نمایندگان) بنده بایستی از انصاف و خوش شناسی جناب پزشکپور تشکر کنم. برای اینکه ایشان یادآور شدند و مکرر در فرمایشاتشان اشاره میکردند که دولت در تهیه یک

بودجه بهتر و علمی تر تلاش بیشتری در ظرف سه سال گذشته بکار برده و همانطوری که باز در باب قسمت از گزارش بودجه من عرض کرده‌ام بر اساس همین اطلاعاتی که بوسیله این بودجه پیدا می‌کنید می‌توانید با چنین وسعتی بودجه مملکتی را مورد نقد و ارشاد قرار دهید و مسلماً اگر دولت یک چنین فداکاری را نکرده بود و چنین بودجه برنامه‌های تقدیم مجلس نمی نمود برای شخص شما جناب پزشکپور میسر نبود که با این دقت بتوانید انتقادات خودتان را مبنی بر مبنای صحیحی قرار بدهید (پزشکپور - این موضوع را قبول دارم) بنا بر این بایک قسمت از گزارش بودجه، سر کار کاملاً موافق و مؤید آن می‌باشید در گزارش بودجه آمده است که اهداف بودجه در گزارش جناب نخست‌وزیر بتفصیل ذکر شده است از طرفی با این ضامنی که بیوست است و تخصیص اعتبارات برای هدفهای مختلف بخوبی شمارا به آن هدف آرمانخواهی که یاد فرمودید هدایت می‌کند البته ما کم کم آرمانخواهی را بکار برده‌ایم، بسیار کلمه فشنگی است مهم خوش می‌آید اگر بدانم ایشان این کلمه را ثبت نکرده‌اند و انحصار مال ایشان نیست بنده هم این کلام را عرض خواهیم کرده چرا؟ برای اینکه ما آرمانخواهی را جور دیگر زیر لوای سیاست مستقل ملی قرار داده‌ایم (احسن) ما معتقدیم وقتیکه می‌گوئیم از یک سیاست مستقل ملی پیروی می‌کنیم معنی آن اینست که تمام آرمانخواهیهای ما زیر لوای آن قرار گرفته است ما اگر سیاست مستقل ملی نداشته باشیم چگونه می‌توانیم آرمانخواهی اقتصادی داشته باشیم؟ ما چطور می‌توانیم آرمانخواهی انسان سازی داشته باشیم اگر ما امکان پیدا کرده‌ایم که به آرمانخواهی خود جامه عمل بپوشانیم زیر لوای سیاست مستقل ملی است یعنی همان برنامه‌ای که شاهنشاه برای ملت تنظیم فرموده‌اند و اجرا کردند بنا بر این ملاحظه می‌فرمائید که ما در تنظیم این بودجه و در بررسی این بودجه همه جا با آرمانخواهی مواجه بوده ایم و هیچگاه از آن دور نبوده‌ایم چیزی که هست ممکن است در کیفیت این آرمانخواهی شما اختلاف نظر داشته باشیم و این طبیعی است و باید وجود داشته باشد مسأله دیگری که جنابعالی عنوان فرمودید راجع به مالیاتهای مستقیم و مالیاتهای غیر مستقیم بود که اتفاقاً بنده تمام مقاصد و نیات جنابعالی را که در این باره اگراف خلاصه شده خدمتان می‌خوانم بنده اینجا نوشته‌ام بدیهی است بتدریج که اثرات

اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی ظاهر و ساختمان اقتصادی و اجتماعی مملکت دوره تکامل را طی و بمرحله کمال برسد بموجب موازین علمی اقتصادی تناسب درآمد از منابع مالیاتهای مستقیم نسبت به مالیاتهای غیر مستقیم افزایش بیشتری حاصل خواهد نمود و ماخذ تعلق مالیات که در شرایط اقتصادی فعلی محدود می‌باشد بر اثر بالا رفتن درآمد سرانکه ما حاصل افزایش سرمایه‌گذاری در شئون مختلف اجتماعی و اقتصادی کشور است وسعت یافته و تعداد بیشتری از افراد مملکت را در شمول پرداخت مالیات مستقیم قرار خواهد داد؛ بیان این قسمت در گزارش کمیسیون بودجه شاید گواه این مطلب است که در کمیسیون بودجه این قسمت مورد توجه و عنایت بوده است ولی بنده برای اینکه موضوع یکفردی بیشتر شکاف شود ناچار هستم نکته‌ای را عرض کنم البته در بودجه تقدیمی زیر عبارت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم ارقامی نوشته شده که ممکن است تفاوت آنها تا اندازه‌ای چشم گیر باشد ولی باید توجه داشت که ماذکر ارقام را از نظر تعریف کلاسیک زیر مالیاتهای مستقیم یا غیر مستقیم می‌گذاریم در صورتیکه ممکن است یک مالیات مستقیم طبیعتاً از آن نظری که مورد توجه شما است تفاوت داشته باشد اصولاً از نظر کلاسیک تشخیص اینکه چه مالیاتی مستقیم است و چه مالیاتی غیر مستقیم یک بحث مشکلی است بطور مثال اگر احیاناً شما به کفش نو خریدید یا بشوید در مرز مملکت از شما گمرک آن را بگیرد اگر خودتان بپوشید آن حقوق و عوارض گمرکی مالیات مستقیم است و اگر بیدگری بفرشید میشود غیر مستقیم از نظر تعریف کلاسیک در این مالیاتهای غیر مستقیم منافی هست که معظوف یک طبقات مخصوص در مملکت میشود که ما آنجا را طبقات مرده می‌خوانیم برای سوخت بنزین ۳ میلیارد ریال مالیات غیر مستقیم ذکر شده بنده روی اطلاعاتی که بدست آورده در حدود ۸۰ درصد مربوط به ماشینهای شخصی است بنا بر این ۸۰ درصد این مالیات را ماشینهای شخصی که بنزین مصرف می‌کنند می‌پردازند و باید عبارت دیگر طبقات مرفه‌مندانند اما حقیقاً اگر ما بخواهیم به آن هدف غالی که شما و ما بان عقیده داریم برسیم که روزی مالیات مستقیم در مملکت ما مافوق مالیات غیر مستقیم قرار بگیرد تحقق این امر مستلزم رسیدن به اهداف بزرگی است که ما با کمال ارشاد

می‌خواهیم به آن برسیم یعنی ما بایستی کاری کنیم که در صد پرداخت کنندگان مالیات مستقیم برود بالای ۶۰ درصد و تعداد افراد مشمول مالیاتهای مستقیم بمناسبت بالا رفتن درآمد سالانه آنها بالا برود آن ۶۰ درصد مملکت ما در عداد اشخاصی هستند که مشمول مالیات مستقیم نمی‌شوند و در پرداخت مالیات مستقیم شرکت نمی‌کنند هدف غائی و نهائی ما باید این باشد که درآمد سران مردم آنقدر بالا برود که جمعیت بیشتری در پرداخت مالیات مستقیم در این مملکت شرکت کنند و این هدف باید با این برنامه‌های چهارم و پنجم و ششم که انشاء الله می‌آوریم و اجرا می‌کنیم تأمین گردد و سطح عایدات و درآمد و سطح تولیدات و سطح درآمد براندر درآمد ملی آنقدر بالا برود که ما نیازی به مالیاتهای غیر مستقیم نداشته باشیم دیروز جناب آقای نخست‌وزیر هنگام بیان ایشان راجع به برنامه چهارم بخصوص فرمودند که دولت بهیچ وجه در افکار خودش تعصب ندارد و بعبارت دیگر به آن عبارتی که خودشان ابتکار کرده‌اند دولت عاشق افکار خودش نیست همچنانکه خطاب بنمایندگان ملت ایران گفتند شما هر نظریاتی برای بهبود این لوائح دارید بدهید و تصدیق کردند که لوائح دولت از مجلس بصورت بهتری خرج شده است همین امروز ظهر بنده رادیو را گوش می‌دارم و دیدم در نتیجه مذاکراتی که اینجا شده و خدمت ایشان عرض شده است ایشان نسبت به پاره‌ای تصمیمات که شاید از نظر بهم خوردن میزان درآمد مشکل بود از آنها چشم پوشیدند و نشان دادند که واقعاً دولت تعصب در افکار خودش ندارد و در اختیار مجلس است و در اختیار نمایندگان ملت ایران است و هر گونه ارشاد صحیح را می‌پذیرد که اینک عرض تلغز را که شما فرمودید ملغی کردند (پزشکپور - جناب آقای نخست‌وزیر استدلالها را بپذیرند ولی همکاران گرامی بپذیرند) (اشتباه می‌فرمائید تذکرات بوسیله اکثریت بمن جمله خود من مطرح بوده است) راجع به میزان اعتباراتی که برای آموزش و پرورش در بودجه سال ۴۷ آمد بنده لازم میدانم قبلاً عرض کنم که این بودجه‌ای که امروز مسورد رسیدگی است بودجه است که ما برای سال ۱۳۳۷ تنظیم کرده‌ایم و در نظر گرفته‌ایم و برنامه کار مملکت را در شئون مختلف مملکت برای سال ۴۷ فرسیم می‌کنند والا نه بودجه

۴۷ و نه برنامه چهارم هیچکدام اینها وافی به انتظارات ما برای ترقی و رشد و تکامل نیست (خواجده نوری - صحیح است ما توقعات زیادتری داریم) و اگر روزی برسد که ما فکر بکنیم بنکمال مطلوب رسیده‌ایم آن روزی است که بنقطه توقف رسیده ایم (آفرین) در صورتیکه هدف و آرمان ما پیشرفت مستمر و مداوم است ما بایستی نقشه‌ها و آرمانهای بیشتری را برای خودمان ایجاد کنیم و حدتوقف برای آرمانهای ملی وجود ندارد (صحیح است) در عین حال هر کاری را که می‌خواهیم انجام دهیم، اهداف و آرزوهائی را که می‌خواهیم به آنها برسیم بایستی توجه به امکانات داشته باشیم و این همان آرمان خواهی است که دولت آمده ۳۵٪ بودجه مملکت را اختصاص به امور اجتماعی که آموزش و پرورش قسمت اعظم آن اعتبارات را مستحیل خواهد کرد تخصیص داده و همچنین قسمت اعظمی از اعتبارات برنامه که در هزینه‌های از محل درآمد عمومی بصرف خواهد رسید باز به نشان ترتیبی که بنده در گزارش عرض کرده‌ام ملاحظه کرده‌اید، چهار میلیارد و خرده‌ای اختصاص به آموزش و پرورش دادند و دو میلیارد و خرده‌ای اختصاص به بهداشت دارد و این یک موضوعی است که آرمان خواهی دولت را نسبت به این دو موضوع مهم اثبات می‌کند بنده می‌خواهم از این موقعیت که نصیب شده این استفاده را بکنم بخصوص که بحث بودجه را در چنین موقعیکه دولت با کمال مجاهدت و به پیروی از نیات مبارک شاهنشاه ایران در کسب درآمد بیشتر از نفت کوشش می‌کند این تقارن را در چنین زمانی بفال نیک می‌گیرم از آقای نخست‌وزیر خواهش می‌کنم صحبت‌هایی را که آقای پزشکپور کردند و همچنین عرایضی را که بنده می‌گویم و بیاناتی را که جناب را می‌پسندیدند و بعد جناب آقای خواجده نوری مطالبی خواهند فرمود همه اینها را ترجمه کنند و در اختیار آقایان بگذارند که اینها بداند ملت ایران و مجلس ایران از دولت خود چه انتظاراتی دارند و چه آرمانهایی دارند که بایستی از محل عواید منابع طبیعی مملکت تأمین شود بنده فکر می‌کنم این آقایان آنطور که باید و شاید ملت ایران را نشناخته‌اند و یا تجاهل به شناخت می‌کنند جناب آقای نخست‌وزیر، بنده در سال ۳۵ وقتیکه یک مؤسسه مشاور خارجی پول از سازمان برنامه گرفت که برای اهواز شهری که من افتخار نمایندگی آنرا دارم پروژه برق

تیبند و عنوان کرد که شش هزار کیلووات برق تا ۱۵ سال دیگر برای این شهر کافی است من به استاندار وقت گفتم که این مؤسسه مشاور ب مردم این شهر توهین کرده است برای اینکه خواستهای این مردم را نمیشناسند الان مینیمم خوزستان که از برکت وجود شاهنشاه آریامهر از برق سید محمد رضا شاه استفاده میکند حداکثر مصرف برق در اهواز به ۳۳ هزار کیلووات رسیده است (هیندس عترت - ۸ هزار کیلووات است) بدبخشید مصرف برق خانگی را عرض میکنم یعنی همان مصرفی که برای ماشش هزار کیلووات فرض کرده بودند و مشاهده میشود بر اثر مساعی و از برکت وجود شاهنشاه که نصیب مردم خوزستان شده است تا ۳۴ هزار کیلووات رسیده در صورتیکه ما هنوز آنطور که شاید و باید از نیروی برق استفاده نمیکنیم این نشانده است از خواستهای ملت نشانده است از خصیصه آقا منشی ملت ایران او میخواهد همچنانکه خصایص باستانی او اثبات کرده است در بالاترین استاندارد زندگی کند ما برای رسیدن به این اهداف ضمیم باید از این منابع طبیعی هر چه بیشتر استفاده کنیم بنده مطالب دیگری هم در این باره دارم که از آن میگذرم راجع به وظائف وزارت امور خارجه بیاناتی فرمودند که بنده خواستم توجه ایشان را جلب کنم که دولت هم کمال توجه را داشته بطوریکه بودجه وزارت امور خارجه از سال ۴۵ تا حالا از ۶۵ میلیون تومان به ۹۷ میلیون افزایش پیدا کرده (دکتر صدر - ولی از سال گذشته ۱۰ میلیون بیشتر اضافه نشده) اگر بخاطر آقایان باشد ما در دو فقره متمم بودجه ۱۶ میلیون تومان هم برای وزارت امور خارجه فایده اعتبار کردیم و شاید دولت همین اعتقاد را داشته باشد که اعتبار دیگری در اختیار وزارت خارجه گذاشته شود بخصوص که معاون وزارت امور خارجه در کمیسیون بودجه در مقابل همین سؤال اظهار داشتند که کارهای بسیار فعالانهای در دستگاه وزارت امور خارجه آغاز شده است و بنده میتوانم مبشر این خبر برای آقایان باشم در مورد تناسب بودجه دستگاههای حرفه ای مملکت با بودجه وزارت آموزش و پرورش که فرمودند ۳/ است بایستی بر عرضتان برسانم با توضیحاتی که در کمیسیون داده شده هدف دولت این است که در پایان برنامه چهارم ۱۷٪ از فارغ التحصیلان مملکت مافارغ التحصیلان رشته های حرفه ای باشند. بالمقایسه با برنامه سوم که

فقط ۳٪ در نظر گرفته شده بود بطوری که ملاحظه میفرمائید یک جهش ۱۴٪ در نظر گرفته شد که اگر افزایش تعداد محصلین و فارغ التحصیلان را در ظرف دو سال در نظر بگیریم فن فکر میکنم که این جهش ۲۵ درصد خواهد بود مطلب دیگری که باز در کمیسیون راجع به آن صحبت شد موضوع نوع حرف بوده است که عرفاً ما آنجا را حرف میدانیم ولی در برنامه چهارم به آنها عنوان حرفه داده شد است و افرادی را برای این کارها تربیت خواهند کرد قبیل هتاداری متشیگری و غیره، نکته دیگری را که سؤال فرمودید راجع به وام کسرسیوم باید عرض کنم که در منطقه خوزستان برای ساختن مقداری دستان و دبیرستان قرارداد با کسرسیوم منعقد شده که ۵۰٪ بوسیله دولت و ۵۰٪ بوسیله کسرسیوم تأمین اعتبار میشود و چون دولت سهم خود را از کسرسیوم بصورت وام تأمین نموده برداخت آن در بودجه منعکس شده است مبلغ را ملاحظه بفرمائید خیلی جزئی است و اما راجع به بودجه وزارت تولیدات باید بر عرض برسانم همانطور که در لایحه تشکیلاتی وزارت تولیدات ملاحظه فرموده اید سازمانی که تحت عنوان وزارت تولیدات در بودجه در حال حاضر میفرمائید یک سازمان ارشادی است و این بودجه در حقیقت مخارج ایس دستگاه است و الا بنده سازمانها که جزء تشکیلات این وزارتخانه هستند مثل دخانیات، غله، فروشگاه، فردوسی و غیره، این هر کدام یک اعتبار مخصوص دارند که در بودجه در ردیف مخصوص خودشان منعکس شده است، بنده چون مبنی را برای اجازت سخن گذارده ام بر عارض خاتمه میدهم و امیدوارم که جناب آقایان بزشکیور عرض مرا بعنوان شرحی بر گزارش بودجه قبول بفرمایند (احسنت).

نمایندگان - بسیار خوب بود.

۳ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - با اجازه خانمها و آقایان جلسه امروز را ختم میکنیم جلسه آینده روز شنبه ساعت ۸/۵ صبح خواهد بود، دستور جلسه ادامه مذاکرات در لایحه بودجه سال ۳۴ کل کشور است.

(ساعت ۶/۳۰ دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - مهیندس حیدر علی اف